



بازرسی شد
۶ - ۳۶

بازدید شد
۱۳۸۴

کتابخانه مجلس شورای ملی

اسم کتاب: *تبریز و اوضاع آن*

موضوع: *تاریخ*

شماره قفسه: ۱۳۰۲

شماره دفتر: ۱۵۰۵۲

۹۹۲۴

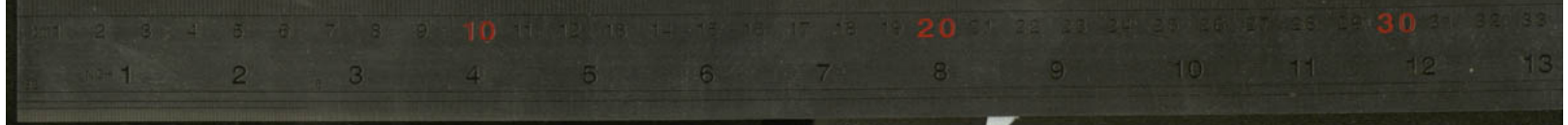
۱۱۴۱

خطی - فهرست شده
۹۹۲۴

۹۰
ادب

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل العلم نوراً
والمعرفة سراجاً يضيء
الظلمات ويهدى الخلق
إلى صراط مستقيم
والصلاة والسلام على
سيد المرسلين وآله الطيبين
الطاهرين
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد
الذين هم خير البرية
والصالحين
اللهم صل على
سيدنا محمد
الذي هو خير خلقك
صلى الله عليه وسلم
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد
الذي هو خير خلقك
صلى الله عليه وسلم
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد
الذي هو خير خلقك
صلى الله عليه وسلم

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل العلم نوراً
والمعرفة سراجاً يضيء
الظلمات ويهدى الخلق
إلى صراط مستقيم
والصلاة والسلام على
سيد المرسلين وآله الطيبين
الطاهرين
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد
الذين هم خير البرية
والصالحين
اللهم صل على
سيدنا محمد
الذي هو خير خلقك
صلى الله عليه وسلم
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد
الذي هو خير خلقك
صلى الله عليه وسلم
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد
الذي هو خير خلقك
صلى الله عليه وسلم





کتابخانه اوس کرمان

بسم الله الرحمن الرحيم

مت حذر که جهان خراب را باز روی به آباوی
 و ننگه ایام را بر عمارت و زمان شادایی
 صحیح که عمارت را کار کرسی قرار است و زمان گذار
 بکام ابل روزگار مدار پس ز فتنای اخرا زمان
 جان و بد بخت و آشوب سبواب شد که بجز در
 ز کس کس نه سنجید و بدان جان دست جور و طغیان
 از دامن من و امان دور که احدی از ایمنی که حکما
 مگوید زمانه ساز کار بکام است و ابل زمانه را دعا
 ماوه مست و است ط بکام عالم از فرودین

فکر درست و همانان را از عاصت فرج و فرجی
 هر روز و عید نور و کسب هر از زمان جوانی
 و عقول شب است و در هر یو عقول زد دورگی دو
 و بعایت آب قدم در امور همانا این سعادت
 کامل و دست و عیش و کاکه انی که نسیان
 مثل است از فرود وجودش استی نمود عادل
 و کسبی بی مشرف و عدم الحامل است که خدا و بد
 سده نوار و کرم همیش و ابا ز کار ساز ناب
 رحمت نهایت بر روی جهانان باز داشته
 سایه عبادت و ظل رحمت بر ابل عالم اندا حیا
 تحت شامت و جهاد اری این بادشا و کسب نای
 بفرق فرقان افراشته است تا عامه همانان در
 چهرهای معدش آسایش گین و فاطمه سب کان
 خدا در ممد من امان باشت بد استراحت و آسود
 حالی توان و تفرین باشت در بی شایستی

د فلک خراکهای صاحب فر عظمت که سجا و شکا ز عالم
در جنب سحاب کرمت او شنیدی و دو سبک
مهر دانه برای صرف حبیب سیموش همکام ظهور
بدل و عطا کی بصورت دینار و دو کربکه درمی
اگر حدت شمشیرش با رشق و باطل را از نهم و در ساحت
و جوهر رخ ابدارش آید ایام را از رنگ ظلم و تعدی
پروا حدت عدالت بدت میوش مانند عرض سحر مستطیل
و مبارکی و مینت زمان دولت روز افزونش
چنانچه فراغت خاطر و اشراج صدر با احوال مردم
صاحب دل شباهت ابر بدست کعبه درش چون
قطره دریاست و لب خورشید بجا کبابی جوهر
آسایش مانند شباهت وزه بخورشید عالم آرا
ایوان جاهش را کیوان پاسبان است و حاکم
در کا بهش را از حل کینه خدم و در بان مغان سلطان
مانند بنای دین پس من و حکم و نایب دین پیش سنان

ابن نعیم مشرف و محکم شاه و جم جاده عالم بنا به مظهر الطراف
حضرت آله مورد گردید ان الله یامر بالعدل و الاحسان
خلاصه ارکان الملک و الدین تو امان صورت رحمت
الکلی جامع آیات پادشاهی سلطان ابن سلطان ابن سلطان
و اسحاقان ابن اسحاقان ابن اسحاقان قهرمان المار و المظن
ناصر الدین و الدین فضل الله تعالی فی الارضین سلطان
ناصر الدین شاه ادام الله لک الیک و اجری فی سجا
اسلطنه و الشکر فله از انامیدات ازل و انامیدت
حضرت قادر لایزال و لیل که بان دولت و پدیدان
احصا ص دارد و خرد خور و روان او را حاصدین
میشمار و زینت و زرقی حکمی کامل صاحب دل
و دانشوری خرد و پرورد با دل نباشد که حسنا و حسبا
از خاندان شوکت و شان و اراده عطا و اکابر
ممالک ایران بود و بسند عذرت اعظم دولت
ایران بود و کثیر الحویش از ایش پذیر سجت جوان

و تدبیر پیش را می نظم عالم در و اوج مہم کا فو ام میگویم رسانند
و ظہیر سواد صحاب جاہ و قدوہ صاحب لادن اکا و افشا
رائی کہ از در پچہ امروز ناظر احوال فرود است علی رو مطبعتی کہ
بر نقش از سواد مدد در بر آئی ہزار سوہ است عنوان صحیفہ جوہ
کہ قبض و لبط افانست عوالم غیب و شہود کمر بن عطیہ
و جوہی از مواید عنوان احسان اوست سروری سپید
حصان کہ سعادت و قبائل بندہ وار کی مانند ارباب
قلم سر خط اطاعت آن دارد و دیگر سی بستور صحاب
سیف برستی طریق خدمت سپار و بزرگی در پیشانی
کہ مہم کا فو عباد را ہموارہ بسبع قبول اصفا فرمودہ
کام عجز و سبکین را رجب و سخاہ برابر و با کمال فر
و شکوہ کہ از لوازم امر بزرگیت محصانہ و خالصا لوجہ
با محتاج امور جمہور پر اوختہ کوہ کوہ بار اندوہ از خطر
برآرد خلاصہ و در زمان محب سلاسل عالم کون مکان
محر الانام تجا اسخاص و العوام اوام اللہ تعالی طسالہ

واجب فی بکار التوکم والاہیہ سفیہ قابلہ صدر عظم
دولت علیہ ایران از اسجد را می زین و طبع سعادت
انیش فقہا کہ دکہ با وجود علم حصولی بر تشر و قطنہ اوضاع
ممالک علم حضوری نیز حاصل ساختہ از روی بصیرت
کامل بنظم اوضاع و فضیل جمات رسید کی فرمایند
لہذا امر بہ بیان حقایق اوضاع ممالک محروسہ خاصہ
و مضامینات بر وجہ احوال نمود حسب الامر ابتدا احوال بندہ
و جوہ را مقدم داشت و بعد بہ بیان اوضاع مہم کا
تبریت حروف تہجی اطناب نمود **کہ در ان شہر است**
شکل بر بروج چهار و قریب کفر سخ دورہ
شہر است چہار دروازہ دارد شرفا دورہ مسجد
غربا دروازہ سلطانی شمالا دروازہ کبری جنوبا دروازہ
رق آباد کن در طرف دروازہ سلطانی مصطل بخصا
دوار الامارہ است عمارات خوب مرحوم ارباب
و عجایب او در انجا بنا کردہ اند آب خانہ ای شہر



کلا از چاه بعضی کو را در جی ناخوش است قریب چهار
 هزار خانوار و مساجد و حمامات و دو کالین در اصل کده
 آثار شریف انجانبانی مرحوم کهنه خان و ابو اسیم
 مرحوم است مرحوم کهنه خان میدانی رزک بطور خوشنما
 و سه طرف از بازار و کاروانسرا ساخته طرف شرق
 کاروانسرای مستن و طرف شمال میدان در بازار ضریح
 و در طرف غرب آب انبار و طرف جنوب حمامی بسیار
 خوب طرح انداخته و برابر مسجدان مرحوم نیز ساخته
 و حمام و مدرسه عالی بنا نهاده مسجد جامع که از بناهای
 محمد مظفر و بغایت آثاری مستحکم و معتبر است در
 دروازه مسجد واقع است در دروازه کبری که محله
 مشتمل بر ده و دوازده هزار خانه کبرشین که در فاصله
 افغان خراب شده و مردمش نیز در فاصله اندک
 خراب و در آن افشاده خراب و مراعات و مضامین
 حرمه غریبه و بچده از فرار است که ثبت و ضبط است

مراعات و قریه

کریم آباد غیر سکون	سجده و غیر سکون	کریم آباد و دو هزار سکون
تقی آباد غیر سکون	کریم آباد چهار کوه و غیر سکون	جلال آباد غیر سکون
سید آباد و غیر سکون	حسن آباد غیر سکون	حسن آباد غیر سکون
رق آباد چند دریاچه دارد	شرف آباد غیر سکون	شور و غیر سکون
شاد آباد و غیر سکون	طاهر آباد غیر سکون	طاهر آباد و غیر سکون
عباس آباد و حیوانات	فرزاد آباد و غیر سکون	فتح آباد و غیر سکون
فتح آباد و غیر سکون	کاکا آباد و غیر سکون	لطیف آباد و بجا حراره و
کلیسا و غیر سکون	مومن آباد و غیر سکون	رحیم آباد و غیر سکون
بازار و غیر سکون	سومین آباد و غیر سکون	سومین آباد و غیر سکون
احمد آباد و غیر سکون	حافظ آباد و غیر سکون	حسن آباد و غیر سکون
خان آباد و غیر سکون	زین آباد و غیر سکون	صعیب آباد و بجا خراب است
عباس آباد و غیر سکون	علی آباد و غیر سکون	فتح آباد و غیر سکون
قوام آباد و بجا و سکون	کنسج و سکون	کریم آباد و غیر سکون

میکند و باغ خرد دارد	نظر او نگاشتی دارد	سخت آباد و غیر سکون
باغ سرسبز است	مزارع شکل است	رزق خالصه بود
در کوه سخی شهر مشاهیر است	در مرغ خورده و گاو	بار بامان و اگذار
مسجد و بازار دارد	آزار نماند و دارد	کردن در یک باغ
حجر طاقچه دارد	و صحنی کنی کرده اند	ساخته سکه بزرگ
احمد با و طاقچه است	حسن او کور طاقچه است	حسن او در یک طاقچه
دو کوهستان طاقچه است	رکی او از بی و خالصه بود	شاه سلطان غیر سکون
صفت آباد طاقچه است	صاوق آباد طاقچه است	همدی آباد طاقچه است
نوشل آباد طاقچه است	سعدی حاصه دیوان	بودن او خالصه
اراضی او را شتر	قدری از باغی سرخ	دیوان باغی خرابه
سخت مانند	طاقچه در وارد	او در شترگاه
روده حاصه دیوان	خانامات خالصه	رحه خالصه دیوان
و غیر سکون است	و غیر سکون است	و غیر سکون است
سلطان با خالصه	صاحب او با خالصه	صاحب او با خالصه
و غیر سکون	قلعه و سنگه دارد	

مزارع طاقچه و زراعت

قریان محلی است بهشت نشان و دهت و نسیمی کرمان
سحاب جنوب شکل مزارع در باغ و باغچه استل رحمت

سار ساری و بر باغات و بساطت عاری است چمن
فواکه در اینجا خوب بعنل میاید قریب چهار صد خانوار اینجا
نشسته در خوبی آب و لطافت هوا مشهور خاطر باران به طرف
دسر و راست مرقه مشهور وضع مطهر جناب سر حلقه اهل
عرفان حضرت سید شاه نعمت الله ولی قدس سره
در اینجا است و نولج و مزارع و مصافحات و محلا و اوسان
محتلات
سعادت آباد در ویشان
کلاه دراز قلا تویه
میاه که شرب باغات میوه
میاه آقائی میاه خواجه ساه با حصار میاه کورکان
میاه ثانی آباد میاه محدثه میاه قلا تویه میاه طواصن اسما
مزارع طاقچه
فرغین و با با حصار خالصه و سنجری و قنات آب حیات

سه دانگ اورا ش بنا بش خاکه و ه سانه حشر	قد سم باغ و خانه خوسپه واشته اکنون خراب
ش و بقره اله ولی فرموده در دانه واقع است	
در ر اش از چینه بار و غالی از سکه و خاکه است	در اش از چشمه بار و قرب و دوازده چاره
عرب اما در چهار در باغ در چهار خار و سکه	بیک اش ارفات در سر راه و غیر مسکون
چهار اش ارفات و مسکون	در کز غیر مسکون است
دره حسنی غیر مسکون	گنینه غیر مسکون است
ترجکان باغی و یک خانه دار سکه دارد	قلا توبه باغی و یک خانه دار سکه دارد
طنز و داعی و یک خانه دار سکه دارد	حسن اما داعی و یک خانه دار سکه دارد
ترک آباد غیر مسکون	و بویه عمر مسکون
حسین آباد غیر مسکون	سر چشمه غیر مسکون

لح

دو کله در باغ و چش خاکه کار و انرا غیر مسکون است	در باغ و چش خاکه کار و انرا غیر مسکون است
قاعان لب کر محلی است روح پرورش فرسخ از جانب جنوب لیده و در مشرق است بر کفید خار و	
جمعیت و سیصد در باغ و باغچه اش از کوسار و خوبی و لطافت هوایش زیاده از حد میان و	
همه فواکه در سانس و بعل مایه زراعت صحرائی هم دوا	
چوپار محلی است بهت آثار درخ و شمشیر بجانب جنوب واقع قریب سیصد خانه و ار سکه	
دارد هزار در باغ و باغچه تخیل در اوست هوایش آیات و اش از یک رشته قات که پنجه معصم قسم	
میشود در صفا و خوبی پس دیده ارباب تیر و مشهور کوز بقعه مسوره و مرقد مطهر حضرت شاهزاده حسین و دو	
اما فراده آزاده که مشهور است بر او و عبدالله و شاهزاده قاسم که از اولاد امجاد امام مقررین اهل طهر و موطنی کاظم	

عبدالمطلب علیه السلام الف النجیه در نجاست و سابق لقیه و با کلاه
 مذاشت حال قریب دو سال است که طرح لقیه و دو
 و صحن در اینجا ادا شد محل زیارت نزدیک و دور است
 محلات و مصافحات اینجا از این قرار است

محلات

مقدم	مقدم
باغ خان	پیش
محمد مهسا	ماع نظر آقا
مسیان دو	پرزنگ

مقام

مقام اربانی است	مقام ملائی اربانی است
مقام جوار اربانی است	مقام محمی اربانی خالصه است

مزارع

کوه زاهدی است میان محمد اسفندیار شاه و ابدیور حضرت اربانی خالصه است
 کوه زاهدی است میان محمد اسفندیار شاه و ابدیور حضرت اربانی خالصه است

بوی

کهن چنان قبل آبی دارد و عسکون که با او یک باغ دارد و خانه عسکون
 عبدالمطلب علیه السلام و چند کوه دارد فاداناه و حیدر ماسک کرده
 طاهره عبدالمطلب علیه السلام حیرت طاهره میان دو یک حجره
 طاهره نظر اما یک حجره طاهره احدی محمد اسمعیل خان

شماره دهم

مردی است بهشت نمود در جانب شمال مدینه و بهشت
 عرش مسافت بهوش روح پرور و آتش رسالت
 ششم و کوه از پیشه سار که بهایه جاری و بر باغات
 و بس تنگ ساریت مشتمل است بر کعبه خانه و آتش
 دو دلب سبید در بیابان و ماغی از فواکه اینجا انار
 و انجیر شش فزادان و خوب است فی لکمه زراعت هم دارد
بویکت در بهفت و سنجی شمال مدینه خلد مامله است
 آتش از کوه سار که بهایه قریب سی جمل غار دارد که
 و چند در بیابان و قدر سی زراعت صحرای
 مصافحات و محلات مذکور که در اینجا نوشته شود

سرسا در شش فرسخی است شمال مکه ده است اشش از کوه
که مهابه جو اشش خالی از است باز است قرب جبل خاچا
سکه دارد باغات و زراعت صحرائی اینجا خوب است
مزارع و توابع اینجا قرار است که مکه و ضبط است

عجالت باد در غایه سکه دارد غر اباد احدائی و غیر سکون
لاغر که خانه سکه دارد گردا با و یک خانه سکه دارد
کج ریک غیر سکون که دایر است بجز است

باغین هفت فرسخ از شهر دور در جانب غریبه
مکه خالصه دیوان اعلی است اشش از محال بر دسیر
رود آب و قنات آب است قرب جبل خاچا سکه
مضافات و توابع و مضافات و مزارع اولین است

اشش یک خانه و یک خانه و اشش در این مزارع از مزارع است
دوبه فرزوعی و غیر سکون محمود باغات آب غیر سکون

سعدی اربانی است بکاه و قریب ده و دوازده قنات
سکه دارد اشش از قنات باغ و بستان مزرعه
قریه باط ارجانب غریبی بدو فرسخ از شهر دور است
اشش از قنات و در نهایت ناسار کاری زراعت
صحرا جاریست قرب و پارده خانه حمام و مسجد و حرمه
قریه کبرغان در جانب غریبی بدو فرسخ از شهر دور
اشش از محال بر دسیر مایه حدان لطیفی دارد
خالصه دیوان است چند سال ریش مشرق و در شان
کشته بود و حال از خارج حکام عظام جمعیت با اینجا دور
صورت آبادانی باشد قرب است می خانه دار سکه
انجامت رباط خوبی در این سالها انجام شده مردوبن ساخته
کونک بلوکی است یکو و محلی بارکنت و بود در سمت جنوب
فاخره کرمان است و مضافات آن مملکت حبش
شاهان عرب با محال سبب اوله متصل است و جز با محال
که مسرت جران و رود مار شهر فاجال کونک و مضافات

و صل است و ثمالا بنواهی هفتاد و سار محال ان لوک
 سعادت او ضاع حکمانی وسیع دارد مثل زمره
 بیع آب و هوایش گرم است و بیدی آب و هوا
 من الجهورش بر هوایش شانه از دوزخ و هضایش منجته
 و انار بر رخ است آب انجا از قنات جاری ولی در
 اشش نمود فاعی و عفار ب مسور و منوار است عفات
 و سار جویات در انجا ربع و افراد و بجدی که انجا
 از فرط و فور آن را سبط تعددی آورد برنج چنان در آن
 محل بسیار خوب ولی بسیار کم است چندان و در
 مذرو مردم آن ولایت از فرط ناسپاسی از لغت
 عظمی را قدر می شمارند اهل بسیار نامل و تمامی بسیار
 بود می نادانی و جمله قلیات و انواع انجا نیاست
 مثل و عدل است و مراع و انواع او بدین تفصیل است
قوله ابراهیم آباد در رشته قنات و بقدر هفت حاره دارد
 ابراهیم آباد علی آباد و شت بر فاعل در آن

عقود

قوله نو چهار رشته قنات و فرس هفتاد حاره دارد
 شخب آباد هفت آباد سیر مادی رحم آباد
قوله سلطان آباد سه رشته قنات و فرس هفتاد حاره دارد
 سلطان آباد رباط حبه
قوله قاسم آباد دو رشته قنات و فرس هفتاد حاره دارد
قوله اردوباد شاه ماران دو رشته قنات و فرس هفتاد حاره دارد
 برج سمش آباد سه رشته قنات و هفت حاره دارد
 سمش آباد دیوبند حسن آباد
قوله قنات محمدی هفت رشته قنات و یک حاره دارد
 شاه محمدی حسن آباد عباس آباد میان ده حیدر آباد محمد ادرع آباد
 یک گرم یک رشته قنات در ربع یک رشته قنات و هفت حاره دارد
 و شش رشته قنات دارد و دیگر سکن سه رشته قنات
قوله قنات آباد مشتمل است بر یک رشته قنات و یک حاره دارد
قوله دولت آباد یک رشته قنات و یک حاره جمع دارد
قوله نصر آباد یک رشته قنات دارد ده حاره و اسکند
قوله دیوبند یک رشته قنات دارد و هفت حاره
قوله اقطاب ملوک است منجبت الطرح والا و صلاح هفت حاره



قطعه من الاقطع در ربع مسکوزا بهترین منزلی از مساکل
 و ارباع در سمت قبله و کرمان است و از اینجا الی شهر
 هفت و پنج فرسخ مسافت است شرفا مجال که سنگ
 و اسفند و سار و دوه لصال دارد و جنوبا بارزوبه
 و غربا مجال سیرجان و شمالا لولک رود سیر صحبت است
 و هو اطلاق و کوه سار است و ایش غاب از رود و
 و بغایت غلب و خوشگوار جنبش غرت مرغزار است
 و سبزه در ربع و پیش سنگ فرامی هفت جادون
 غلات و جنوبا شرجیب ربع متوسط اجمال و کوه و
 و صحرا ایش از ذواب و نعام بر و مال مال قرار و اعمال اینجا
 که هر یک شامل ریختن و جمعیت و کوه است از این قرار است
فصل و شتاب ایش از قنوج و مرز عاقل است

مر	ر	ش
شاه آباد که تعلقه است	مدا و ادبی و کوه	رمانی بقدر و خانه
انجا سب صد خانه دار	وار که دارد	سکه دارد
مر	ر	ر
خانه سکه دار	بشکریه تعلقه است	بر رویه و خانه سکه دار
سور و رودخانه		

مر	ر	مر
رهنج خانه سکه دار	سور که نام راده است	دولت آباد غیر مسکون
مر	ر	مر
ما جو تود غیر مسکون	سار که سکه دار	بدر آباد سکه دار
مر	ر	مر
رهنج سکه دار	ساری جان سکه دار	و هوج سکه دار
مر	ر	مر
قره لاجه غیر مسکون	خا و کوه غیر مسکون	حسین آباد غیر مسکون

فصل ایش از رودخانه شصت و بیست و پنج مایه حصه
 سکه دارد ایش چهار شبانه روز فاصله و بران که بران
 صحرا مر و رود و شبانه روز از ابانی است مصفا فاش است
 گر نغان بار و خانه دارد حسن آباد و در خانه او ابرو رخ شش خانه دار
 هشتاد و چهار دانگ شور سار و جماعت باقر آباد غیر مسکون
 خانه دار سکه دار پنج خانه ندارد
 که بر آباد غیر مسکون نقی آباد غیر مسکون هشت آباد غیر مسکون
 که کوه غیر مسکون سفه رود غیر مسکون نمرود غیر مسکون
 محمودی غیر مسکون قات سرخ غیر مسکون سکه غیر مسکون
 عباس آباد خانه سکه دار کرکشان خانه غیر مسکون حاجی آباد غیر مسکون

قریه بجان قوی و دلیت نماید و یکصد درسیان و باغچه
دارد و آبش از قنوه و روغن خالصه و جام و مسجدی دارد و مضافات

بجان آبش باغچه دارد	چنان مرزوحی است	بجان چشمش خانه دارد
چشمه سرخ	ارن صباغ خانه دارد	ارن سفلی خانه دارد
واده خانه دارد	نهر اباد عین سکون	کوران دشت سکون
سور و اعلیا و سفلی	رنگان چخانه دارد	مورین طایفه است
کاشکوره سکون	مکت سکون	دو بیست و شش خانه است

قریه رابر آبش سرد و بوی آبش بیست نمود و در
یکصد و بیست درسیان و باغچه و یکصد و بیست خانه دارد و مضافات

دو دران قاصه و باغچه دارد	ارنگ چند خشت کرد	قریه بهشت و خانه سکون
باغ و باغچه ندارد	بازر و خانه سکون است	دو در و در و درسیان
جواران سی جمل خانه	دوران چهار خانه سکون	سور بیست و بیست باغ
دشتی درسیان دارد	دو بیست و شش باغ دارد	مکت خانه دارد
ار اهر آلوده درسیان	شش و شصت درسیان	دو در خانه سکون دارد

قریه رود آبش از رودخانه و در مرز و سی خانه سکون دارد

بفرمایند

قریه چهل آباد آبش از قنات و این مضافات است

کوران چخانه سکون	کلک کور سکون	محل ادرم چخانه دارد
ارکان خانه سکون	سده اباد سکون	حاج اباد سکون ندارد

قریه بمباد و آبجبرک دم بر بجزه کلی طایفه لک است
که در بهار و تابستان سیاه چادر دارند و بختها بیست و
مزارع و مینت و شش خانه و از خانه رابع سکون

قریه لک مثل است بر یک رشت شایسته و قنعه و چاه دارد
قریه بشون را مضافات و مضافات این است

مزارع		
بشون و در مرز و جهل قنات	قنعه کرد علی مثل بشون	کرمان چار مرز آباد و دوه
چهار نزل در بهار و بهار	سد لکت در چهار نزل	مزارع
اعلا ش چادر باغچه	دو خانه سکون دارد	

قریه خیر درسیان دو کوه و دو طرف رودخانه و بیست

خیر ایل چاه خانه و یکصد و بیست باغ	خیر سفلی رود کرد و سی خانه سکون
دو کوه چار باغ و سی خانه سکون	کاه دان و چاه رود و خانه سکون

قریه کوشک بیج کلی طایفه قرغلانوست که در بهار و تابستان

سبزه چادر دارند قریب ده مرز و دهی هم دارند که زارع واد

تفسیر کوغرا مصافات و مضافات این است

رو	رو	رو	رو	رو	رو
چشمه	نرمیان	دو کک	باغ کوهان	اسر آباد	ایلی خل
رو	رو	رو	رو	رو	رو
اسفندران	کوهی	خضر	بکابی	تقد مغزبه	کوسلطانی
رو	رو	رو	رو	رو	رو
چشمه	کوه باغان	سینا الی	کرکک	دو قروان	کران
رو	رو	رو	رو	رو	رو
دو کک	دو سبزه	دو ک	جریه	دو قروان	رود وید

از سبزه جهت مدخل در اعنت از سبزه بر بلوکا شستی

و مساز است نه در جانب جنوب کرمان است نه در جهت

مغرب آن بلده بهشت نشان مکه واقع است بین الشمال

و المغرب آن بلده بهشت بیان شمال متصل است سجا کرد

و عو با مجال شهید یک و حاکم فارس حیدر باو شرفا بگو

رهنجان و زرد از انارالی شهر کرمان جبل فرسخ است

و تا شهر یزدی فرسخ قریه انار محلی است بلامیت هوا و حسن

مشهور جنگلی طولانی دارد و بهشت فرسخ طول در

اطراف و حوالی انجا مزارع است بسیار است که تمامی

فات آب مکرکیت مرز است سی آباد که رود آب میانه

و مسیح است و بندر جوزم من توابع شهر ماکت است

و محصولات شومی صیفی انار و پاز مویط و مضمون خیرالاک

او سطما خالی از نه است بار نیست و نظر قریب حواری ساله

صلوات و محصولات انجا نقل برود و در انجا مبرف و

سر سردر سمت کرمان که با مار میروند ابتدا وارد بازار

میشوند که از انجا تا انار فرسخ است در جهت

قریه بازار کسب آب دهبو و مذبت و فضا کمال است با واد

ایش از رود است و بنایت کوارا و محمود فرار و لواجی

و مزارع است و مضافات و مضافات او این است

انار فقه آن خراب است قریب با لصد خانه واد

جمیعت باشد بعضی علامت مفرق شده اند لقع امام زاد

و واجب لتعلم شانه زاده محمد صالح در شرفانی اعلی

معاها در انجا واقع کار و انسانی تازه حاج محمد زبیر

کرمانی در حوالی امام زاده ساحه سه حمام دارد



دو دبار و یک بار یک مسجد جامع در مسجد دیگر دارد

هفت آب انبار و در یکی خراب مرغانش را بر فراز است

مزارع	
محمد آباد و دست فضل	محمد آباد و دست فضل
آب دار و عمر سکون	آب دار و عمر سکون
شرف آباد اربانی	شرف آباد اربانی
فی الحجه آبادی دارد	فی الحجه آبادی دارد
شرف آباد	شرف آباد
مخج آباد	مخج آباد
عبدالآباد طایفه	عبدالآباد طایفه
سعدا و چهار رنگ و خطه و کوه	سعدا و چهار رنگ و خطه و کوه
خیر آباد	خیر آباد
جید رود	جید رود
عباس آباد که درین	عباس آباد که درین
دولت ابدیت	دولت ابدیت
سجد آباد رسیده	سجد آباد رسیده

قربان آب آن رود است چهار و آنک نصیحه

دو و آنک اربانی قرب صد خانه در اینجا سکون

قدر می مشرق و قدر می محمد قدر می ماعتان انار و کوه

قربان بهادران در جمعه و فرسخی انار سبب زد واقع

قربان سگاه در اینجا نوطن و سکونت دارد از آن است

هفت قدم مملکت کرمان از نواحی ملحه است در سمت

المغرب و جنوب الولاية اتفاق افتاده و شرف حاصل

رود بار و غیره بیلر و درین مصافات قطع جنوب اتصال

کوه سنگ و صوغان دارد و شمالا کوه و رمان و حیرت

هم سامان است حرارت و برودت بهر ای اینجا حاصل است

کرمان کبان در دانه کوه واقع حکمانی دارد حیدر

اطلاک مزروعی و قدر می باغات دارد اشرف رود

ردان است غلات و سایر حیوانات اینجا خوب فراوان

آب و جویش را در تعرف است در مدست نه و با

امیرت نه با سلامت مکه خالی از مدستی است



اسکن و موطن حشامات طوایف مهنی که همه صحرا شینند
 مدخل و سرانه و گذران حشامات مهنی غالباً از کوفتند
 و دو آب و زراعت میباشد احشامات مهنی در میان
 بحجاب چرمت و رود بارشلاق میانند و در میان
 و اسفند و سار و دیه و غیره نواحی ان و بارشلاق
 می آیند مزارع اسفند و مجال سنگای حشامات این

مزارع است

مرغ فرموده در میان کوه	سنت جوی است حشامات	زرجوی است از حشامات
اسفند و باغ است	شانی دارد و مصلحت باغ	سند و مصلحتی در جوی
سار است در خشک سال	طایفه است کبک	و کوهی می آید و در کوه
کم است چهارم خار و	دارود و در خار و	سور آباد باغی و از
در چهار باغ و دار و	سکه و موطن	و بعد رسی خار سکنه
کلور و کنار و سینه	تاج آباد طایفه است	حیر آباد طایفه است
و در مرز حد کابلی سکنه	عبدل آباد طایفه است	محل آباد طایفه است میخوهند
و دولت آباد کوهی است	سینه	آب کسینه
اسمعیل آباد طایفه	مسطح و در قبیله طایفه در کنار آب	علی آباد طایفه است
نظری طایفه است	نوکل آباد طایفه است	چک آباد چهل خانه سکنه است
بر جرد علی و سفلا	خاران است از حشامات	کودران است از حشامات
آب تنگی آورده سکنه	و غیر سکنه	و غیر سکنه

چراغ

بیش از نیمه دیگر سکنه	کوه در ارتفاع است و در	باغ سان طایفه است
باغ لطم حشامات	باغ بقیه حشامات	باغ نمری حشامات
محل آباد طایفه است	توت در فغان کله و چهار	چاه اعان فغانی طایفه
	عازر است که در آن	و می چهل صد سکنه در آن

بر روی بلوکی است در مغرب مد و کرمان بغا صله و پارو
 و مرغ و محدود است شمالاً بلوک قمشجان و غرباً
 به بلوک سیرجان و جنوباً بلوک قطاع و شرقاً قاجال
 باغین من اعمال حومه کرمان بلوک بر روی محلی می آید
 سیر است و خوش آب و هوا و همین ملاحظه سستی بر و بیشتر
 اینجی است سستی است بلوک مزبور مثل است بر چکای بیشتر
 و لکار و بهر محدود و بر کوه سمانات قره العرب و کارز
 و سغزک و پیدجان و غیره آب چکای از قنات و آب
 و آب کوه سمانات از قنات و رود خار و حشامات
 در تمامی محال بر روی صیفی عمل نمآید بواسطه افت سرما
 علی غده که از شتری حاصل میشود بسیار است و از قنات



قرار و مصافحان و لمحات و مصنفات او ان است	
قریشیه قلعه محکم داشت مرحوم میر یوسف خان خرابه	
بقدر چهل خانه دارد مرز علی در متصل قلعه است و نبات	
و مرز عسات و در قلعه از قرار است که نفت بیست	
زارعان	
رکن آباد از درب قباب الی	مرزعه دره در قباب است
اراضی و در قریب و در بیابان	در بیابان و در غایت سکه دارد
طاحونه دارد و سوزن بر آب کشیده	
ابر انکشافات آب و خانه	مرزعه حسن آباد و در قریب مسجد جامع کشیده
احمد آباد قنات و در خانه سکه دارد	کریم آباد و حافظ آباد جدید کجایی و در خانه
سین آباد و محضر غیر مسکون	کمال آباد غیر مسکون و لبر زرع
سکوبه و بخار آباد مک خانه دارند	سحر و کوشه قباب دارد
سلور و قلعه و در بیابان دارد	سکه می صبر و در خانه
عبدل آباد و در قریب قنات	محمد آباد و در قریب قنات و در خانه طاحونه دارد
بابی کفایت خالصه آب از قنات	سر ملک خالصه سخی خانه سکه دارد
چوندر آب از قنات بکاه حسن	صحرانکاه خالصه آب از قنات در راه صحرانکاه
ما صحرانکاه و در خانه طاحونه دارد	کمال آباد در رسته قنات
	و در قریب سحرانکاه سکه دارد

قرند

قنات آب و قنات آب و خانه دارد	سید قنات آب کجایی قنات دارد
طاحونه قنات و در قریب قنات	نظام آباد قنات و در قریب قنات
شرف آلوده و در قریب قنات کجایی کشیده	کرکان قنات و در بیابان و در خانه طاحونه دارد
خضیه قنات آب چهار باغ است خانه دارد	مخلص آباد قنات آب و غیر مسکون
شاه قلی قنات آب پنج بنگاه و در خانه دارد	قلعه مرشد با قلعه است و در خانه دارد
حسین آباد ک قنات آب شرف خانه دارد	اشک طاحونه و در خانه سکه دارد
مسار که قنات آب دوه خانه دارد	ترکون آب از رود سکه دارد
ارک و در خانه و در قریب کجایی و در خانه	اسمیل آباد کجایی و در خانه طاحونه دارد
توقین آباد و طاحونه و غیر مسکون	در کجایی آب رود و در خانه طاحونه دارد
طاحونه آب حسین آباد رود دارد	کوری قنات آب و غیر مسکون
ما برنگ در سه قریب آب از رود قنات	محمد آباد و در قریب قنات آب کجایی
خالصه در لولال طاحونه آبانی دارد	دوه و در خانه قنات و در سکه دارد
حسن آباد کجایی آب کجایی و در خانه دارد	بصرانکاه از رود و در بیابان و در خانه طاحونه دارد
سحرانکاه در سفلی زمین غیر مسکون	کمال آباد و در قریب قنات آب و در خانه طاحونه دارد
دوه کده آب از قنات کجایی	رکن آباد آب از قنات
در چهار خانه سکه دارد	و در سحرانکاه در بیابان است

کرده در جنبه برکد و عمر سکون	عالم آباد که در سنخ در چهار باغ خانه دارد
کریم آباد و جنبه خان آباد غیر سکون	خیر آباد و قده در همین عمر سکون
موس آباد و فاش آب پت خانه سکون	رشته آباد فاش آب در چهار باغ دارد
محر آباد و اطالی کلای و در فاش	ندارد
مشکله و رابع قدیم سب با می عالی و داشته اکنون مرشد	
جناب خواجه بدر الدین مشهور شب و عمده ار در اینجا مدفون است	
مسجد خرابه دارد که منار آن بقدر چهار باغ زرع باقی است	
بقدر جنبه و خانوار در کنار ساکن مراعات اینجا است	
مزار عایشه	
فاتیحه فاش آب و خانه سکون	بکار فاش آب خانه غیر سکون
کنار جلال فاش خانه سکون	استخوان در دهن خانه و در دهن باقی است
شاه آباد و فاش آب و کلای دارد	حسین آباد اصداتی کلای دارد
کنده فاش آب یکا همش کنار است	نهر آباد فاش آب غیر سکون
مجله فاش آب غیر سکون	سلطان آباد و باغ و بجه و باغ دارد
کرده محله آباد کلای شراکت حرم آباد	سنگین کنده سنخ از کنار دور مکه
و مبارکه و باغ سنخ خانه دارد	و طاحنه و ده و در ده خانه دارد

کنک فاش آب و خانه است	حسین آباد اصداتی در حرم
نارب خانه اس از زود پیش خانه	علم آباد اس از زود فاش طایفه
سالم جرد فاش آب و خانه	ساروج فاش آب و خانه
فاش سرفاش آب و عمر سکون	از زود طایفه است و سکون
قطب آباد طایفه است	حسین آباد همش طایفه است
مبارکه فاش آب و سکون	همه آباد فاش آب و غیر سکون
بهر نجرودی است که خانه و باغ با هم ساخته اند قده حرم است	
و حمام و حسینیه و مسجدی دارد و قریب چهل خانه دارد	
در اینجا ساکن و مزار شیخ محمد کا که از مشایخ	
عظام است در اینجا است چند نفر متوفی دارد و مزار حاکم	
مزار عایشه	
غیر رود آب و فاش است	حسین آباد و زود باقی دارد
دو دهن خانه و چهار	و یکی باغ و کلای
از باقی عمر سکون	در چهار باغ دارد
آب رود اس از زود	خیر آباد اس از فاش
و غیر سکون	و غیر سکون
غیر رود آب و فاش است	عباس آباد فاش
و غیر سکون	و غیر سکون

برغوج فاش آب سکنه	محمود آباد سکنه	رفقا و فاش آب سکنه
زمان آباد و باغ سکنه	کلک فاش آب سکنه	ابراهیم آباد فاش آب سکنه
طلوعین قدم و جدید فر هر مجرد و دو حشر است		
قره عرب جلگه و کوهستان هر دو دارد و در خارج باغ		
داخل هم است بقدر شصت فاه سکنه دارد و سه مسجد		
و در حومه دو حمام مبارک و دهنه دوات کوهستان		
در زمستان بی برف و در بهار دماستان ابله است		
بقعه مبارکه امامزاده عبدالله در اینجا است قلعه خرمی دارد		
مزارعات و مضمات و ملحقات او این است		
مزارعات		
جاسر آباد فاش آب و خالصه	حسین آباد چهارشنبه و دانی و یک آباد	
باکو تک آبش از رود چهارخانه و	خرور و در باغ و در خانه سکنه	
ارابه آباد آبش در میان جاریت	دولت آباد فاش آب و غیر سکنه	
کهنه آباد و باغ خرابه دارد و خالی است	شیر آباد آبش فاش آب سکنه	
جلال آباد آبش فاش آب سکنه	خرور و کهنه آباد و در رود سکنه	

بانه

باغ کش رباغ خرابه دارد و سکنه	سرافا فاش آب سکنه
خرابه شیح بکت رود آب	عاصی آباد و باغ و در سه خانه
میرزا دبی فاش آب بی سکنه	که مرور و شیح ابضا
دعوانی چون برشادی	اسمیل آباد فاش آب بی سکنه
شیر بکت رود آب سکنه	دامیر حبه آب بی سکنه
سک بند رود آب و بنه فاش	کیورج آبش ارفا سکنه
چهارطاق رود آب سکنه	باب خادم رود آب سکنه
باب شیل و مینس رود آب خالی است	باب سده برک که در حقی مشهور است
رامک سده و کف خالصه و در یک آباد	افزار آبش از رود سکنه
ارو بجان فاش آب سکنه	خادم رود آب غیر سکنه است

قره کار در کوهستان و باغ بسیار سرد است

چمن و مرغ فراوان دارد که ابلاست در بهار و تابستان

سیلاب نمناک فریب سه فرسخ اراضی دارد

لصف خالصه و لصف اربانی نکا است در بالای ل

لمبدي واقع قریب شصت خانه دارد چندی در بامع
 مشجر و سه حجر طاقوز دارد مصفا فانی مداز و سوسوی مرعده خانه که گفته
 دیوان علی و در صفای کارزار است **قریه عسکر** قدیم قلعه بود
 حال اسی از بانی است چهارخ خانه زراع در آنجا است
 ده پست خانه مردوش از بی جانی و بی صناعتی که سر است
 سر و نذ بوش بسیار سرد است در بهار و تابستان
 مرتفع ابلات است مراغاسل باقریه مالدون مشرک است

مراغاسل

سر	سر
حشبه سرخ که فصل فخر را می نامند	حراران آتش از کوه سار
واقع آتش از کوه شاه قطب الدین	ورود خانه سه چهار باغ شجر
صد می آید جذبت که خراب است	و ج خانه دار سکنه دارد
در بنگاه او جمعی نیت و جراب است	
سر	سر
برج آتش از کوه غر مسکن	چونک آتش از کوه غر مسکن
سر	سر
اگر آتش از کوه چهار خانه دارد	و مذری آتش از کوه حشبه عالی است
سر	سر
سر که از کفان در میان رف بزرگ	کس بقوی و کواران آتش از کوه
که صاحبش در غت کرده که بر سر کوه	و حشبه و خالی از سکنه

سر
 رکن چینی است و سبع فی کوه زارعی
 سر
 آنکه لب رود و بسیار کرم و شوره دارد

قریه مالدون در کوه بسیار عجبی واقع اطرافش
 کوه رودخانه در وسط ادجاری مذری درخت کرد و
 و سبب آمدن رود در بقدر و خانه دار سکنه اینجا
قریه مراغاب دیپای کوهی واقع بقدر و در
 و باغچه آتش سار کم است که از رسم بی برشمس میوان
 در زمان بقدر ده بیت خانه دار اینجا جمع می شود
 در تابستان خالی است که است مراغاسل

مراغاسل

سر	سر
خیزان آتش از قمار سکنه	تیموری آتش از کوه جلا حظه دارد
سر	سر
فریادی آتش از کوه خانه خالی است	مراع برج بسنج مسطور
سر	سر
مدیم علیا و صفای آتش از کوه سکنه	اخرک آتش از کوه چهار سکنه دار

قریه پتان در میان دسه کوهی واقع قلعه روی کوه
 داشته که حال خراب نشانی بسیار رفیع در آنجا است

که یک راه دارد در آنجا که آب جاری در دو طرف
 میشود از دو طرف رود بقدر نیم فرسخ اشجار کردود
 و امروزه در آنجا اشجار شمره دارد و خبری زراعتی هم نمیکند
 قرب چاه خانه در آنجا سکنا دارند بهوش بسیار سرد است
فتیه سترک در بالای سرش میدان بقدر یک فرسخ
 اشش از دو چار میدان بقدر دو پانزده باغ مشعر دارد
 قلعه اش در بالای قی واقع اکنون خراب و در آن
 سکنه بقدر سی خانه دارد و مزارع اش از این قرار است

مزارع است

سری	سری
انجام و بلای سترک در باغ و قدری دیگر	در میان اشش از دو چاه در مزارع دارد
طوبه جن اشش در خانه خانه مازد	مابین اشش اشجار کرد و در خانه یکدوم
سینه چای اشش در دو سکنه در خانه	اشش رود اشش رود و سکنه مازد
باب رزم اشش در دو سکنه عالی در سکنه	میدانهای اشش از دو سکنه مازد
کمال الدین اشش از چاه عالی در سکنه	سکنه اشش از چاه عالی در سکنه
ولی فرزند اشش از فانت و سکنه	کرکوه اشش از فانت و عالی در سکنه

سری	سری
چشمه شور اشش از چاه عالی در سکنه	صندوقی اشش از چاه عالی در سکنه

فتیه باغی در سه فرسخی شرقی اشش از کوکسا
 قدم قلعه داشته حال خراب است قرب مین خانه
 سکنه دارد و چند باغ مشعر و دو سه حورده مرزعه مضاعفا

مزارع است

سری	سری
باغ رزم اشش از چاه	برند اشش از چاه
کرافان اشش از چاه	صندوقی اشش در دو سکنه عالی
ترشوبه باغی دارد سکنه مازد	اصفیه کران باغی دارد اشش از چاه

فتیه

در غستان میناق طایفه غز با است که ششاسی خانه دارد
 ز منان کرکوه سرد و دما بنان و بهار در میناق و

مزارع است

سری	سری
در غستان اشش از فانت	و در میان باغی دارد اشش از فانت
در منان اشش از فانت	مزارع سکنه میناق
در چند و شکار اشش از چاه	کرکوهی چشمه مازد است
در آب سال رود دهم دارد	در آب سال بسیار

حاجی کاکا مسکن طایفه بدونی است که چون طایفه عربان
 رستمان کرم سر سبزه وند و در بهار و تابستان سر
 مزارعات خود سیلاب نمایند اسان مزارعات رود و از طرف
 در عسنان مباد طایفه مزوره و قریب بخانه وارند
مزارعات
 حاجی کاکا مسکن بدوگرک حاذق استن ماب سر آهین

مستبر
 طایفه مسکن چون مزارعات حاجی کاکا مسکن طایفه
 بدونی طایفه سنکی است قریب است خانه وار میشود رستمان
 سر وند و بهار و تابستان می آیند بقدر و چار بارغ این رخ

دو سراج	نفر کوبه	کبری
اشباش	کرچشان	کل کوفی
خاردان	حسن افانی	مضروبک
بد اشش	بذر	سرخش
دو جمبه	دو ماسه	کس ندوایی

خار سر مسکن طایفه بدونی حاد سرخی است
 که بقدر نجاه خانه وار میشوند لیکن متفرق بقدر ده خانه بیشتر
 بر سر مزارعات نیت مرتع الملات است در بهار و تابستان
 آب ان مزارعات از خسته سار است و بعضی از طایفه
 قرانی فارسی قدیمی از ان مزارعات را را بایند
مزارعات

آفایه	سر درود	عباس آباد
جوران	اسجیل	کند سراج
رود اژدر	کم سفید	رخ چار
سنگ دو جوی	حشمه بنر	فراموز
سجده	بد عسل	ده کلکی
رکن آباد	کس زارچ	ایع حنک
دو کمان طایفه بدو	مرغاری	کس دوست
فلا ده	لسکر	کلی رود

کرکرد	سپیل	ماه خا زنی
ده نو	کار و نسا	بابویه

مزارعات

طایفه عرب در جنب خانه مسیح واقع است این
 طایفه بقدر ده خانه و ارشید لیکن مزارعات سکونت
 آب آنها از چشمه سار است طایفه مرزبده در کنار ایچا بلای

دستچرد	سجودیه	قلعه سنی
دو شکر گل	دو چش کر	چمدوبه
کل شور	دو برزویه	کنن رزد
باروبه	مماچی	مورخنی
چهل بدوبه	سجودیه علیا	سجودیه سفلا
مدی	حاران	اردیز
امردود	مدیل	کوشک
چاه کر	ده کلکی	مدرد



بلوکیم بلوکی است بصفا و خرمی توأم درین کهنوب
 و المشرق کرمان از شهر که مان ناقصیم حمل فرخ مت
 قلعه محکم مضبوط داشته اصل نمای انجار ابطور شش
 مشهور شمل بر ساجد عالمه و حمامات و چهار سوق
 در اسنه بازار و جنبه که اسشته اند و لیکل از مر حله
 دایت گذشته شهت رسیده شهری و صنعت است
 اما خالی از آبادانی و عمارت برج و بار و و حصار اورا
 بسیار متین و بعضی مضبوط ساخته اند و تمامی
 عمارات و خانه های انجا زار و نسبت ارک طرح انداخته
 که ارک بالا سوزن صحیح خاناست و مناست
 و عرض حصار شهر بقدر لب که یک عواده توب با بسب
 در بالای مرید کرد و باروی شهت سهولت عبور میسرند
 و از قرار مشهور است و غیره مودیات در بهم نهایت فر
 دارند که شبها مردم از اسب آنها فرزند اند
 سهل است که نامی علایق از خدمات آنها سرفرا

میش و از یکی از صاحبان نفوس قویه قلعه را تپه بند
 کرده که داخل قلعه احدی از دست نمی پند در خارج شهر
 آنچه لازم از دست است می پند بجهت تخریب شهری در بالای
 حصار رفته دست خود را از دیوار حصار مرو ن رود
 دست او را تپه زده سایر اعضا و جوارح ان که داخل
 حصار بوده هیچجه متاثر گردیده است و اگر کند الم بند
 ارک بم در ضلع شمالی شهر بم است و لغات سنن سکیم
 محل ارض متصل است که کوهی سعادت رفیع و قلعه
 سباز بلند واقع در میان صحرائی وسیع افق
 افشاده و وارک و اربک ارک بالا و بک ارک پائین
 که در آن قلعه مستن متصل یکدیگر ساخته اند و در جاه عمیق
 در و وارک بالا و پائین است که بریده اند و آب بسیار
 در حین جاه ارک بالا بر فرار قلعه کوه حمامی زرت و
 و آب این دو جاه سجدی و اعراض است که اگر تخمین بکنند
 آدم و حیوان در ارک باشد از یکدر آب بهر چه عشرت

و یکی مسند و صغ شهر وارک و در و ار با سی
 ارک و شهر پائین کوه است که کوه و لغت سخط که در ارک بالا
 منبند تمامی جانها و بروج و حصار شهر را منبند
 و در سه در و ارک هم اگر مورچه محرک شود لا محاله می منبند
 و منبند و جان سلامت منبند و آب و هوای هم بسیار
 ما کوار و مردوش بد بسوکت و اسار کارند و ابل و کوه حفا
 غلات و حبوبات اسما و افر است برنج اینجا اگر چهل
 بعمل میاید ولی خالی از کلف نیست اما و حرما می آن کوه
 خیلی خوب میشود و نهایت و فور هم دارد و قبل انوری
 که بعمل میاید تعرفیه مهستیازی نذر و سایر منوای
 که مسیری مثل نارنج و ریح و لیمو و سایر مرکبات اینجا
 بعمل میاید آب ان ولایت فئات آب و چشم بسیار
 مکرر زده پدران که رود است و ارضان فاشکوه
 من محال جابلبار جاری و ناری است تفصیل فرار و منبند

مزارعات

ری	ری	ری
اسکان	چهل چشم	لشت رود
ری	ری	ری
باغ چمکت	حسن تاقی	دورود و همی
ری	ری	ری
سدران دشتی	کدار	باغ نو
ری	ری	ری
نکت	حسن آباد	خواجه
ری	ری	ری
مخدو آباد	فضل آباد	بارج
ری	ری	ری
سوسن آباد	رود اسفلی	طاحونه پروان
ری	ری	ری
رشدی	الله آباد	خاقانه
ری	ری	ری
نهرستان	قصر حمید	نکت
ری	ری	ری
حافظ آباد	دارستان	دازین
ری	ری	ری
دلکش	سکندریه	صوفی آباد
ری	ری	ری
بوسنی آباد	ده شتر	عش آباد
ری	ری	ری
عسکری	فصح آباد	مردوا
ری	ری	ری
نکت	کرک	شکر خیزد
ری	ری	ری
مداب	نهر شهر	سنگ برود

کون

ری	ری	ری
کرین	دازین علیا	دازین سفدا
ری	ری	ری
ساباط	دور بر	درنگان
ری	ری	ری
لوار	همیش	اکرم
ری	ری	ری
باچار	مشکوبه	منوچهر
ری	ری	ری
برو و باغ نکت	کوران	باویسی
ری	ری	ری
در حسین	کوکت	دورزیر
ری	ری	ری
سید کبک	باغ خان	دارود

طواصین

ح	ح	ح
موج آباد	مرز عفار	کوبه
ح	ح	ح
عش آباد	باغ خان	کرک

بوچستان

مغانی است که میر فریب است و بخ منزل ارضیله
 کرمان دور مردمش قاطعه حنی مذنب و محمد جون
 منش و بی ادب بودی او بیت بشا نشان رسد
 و حرفی اردانش پیش ننگه همه بر سرش



و عمان و بنگ و بدو در دوشان کجبان است
 و می سفاک و کوهی پاکند هوایش در بهار
 و تابان مانند جیم و آتش همچون عشاق و حسین
 بنا بر کرم است که سرب در پیش آفتاب آب
 میشود اکثر محاشش کم غده است مدار مردمش بر جا
 و زرت است و کدزان آنها از سپور است علف
 و دلب و غنم و شر بسیار است و مناخ آهش
 از آنها بسیار در پیش مردمش کمن کندم و کج
 و یکس ازین قوس علی بن ابی طالب و تیره و قبیله
 قرار و معنایات لوحیان از این قوس است
سپور قلعه است در بالای تپه بسیار بلند واقع
 شمل است برارک و شر حاجب آب قلعه از جاها
 و بسیار ناگوار و ناسازگار غده در اینجا بسیار
 بهل میاید سخیلات خرفی دارد و قریب دو لیق
 و اربل اینجا زارع و بهان اسم شیخ فایع لکصد و

الی و دیت خانه املاک لوح کلکلی و دومی و عبد الهی
 حقی مدبب در اطراف سفیل مشته اند از جانب
 عدل کبصد و نجار و نقره لکلی در قلعه با سحاط مشغول است
 مراعات اینجا از دو دهانه که از سمت قریح میاید برش
 میشود و بعضی مثل مراعات بطریق است که اینجا

مزارع است

احمد آباد	دومیر	خیر آباد
دوزدان	کرکون	سکزی
لوک آباد	سجرا آباد	سمنش آباد
ملک آباد	برسند	سنتور آباد

مزارع است

برآباد	بوشان	کاکلی
سیر	حسد آباد	چاد سرد

مزارع تائب بند پور بالا

باغ و بنار	رور آباد	حسین آباد
مسور کهنه	باغ طلا احمد	کهور دراز
کلا کهن	آباد علیا	مسور بالا
آباد سفلا	دوبالا	سکند کهن

مزارع تائب بند قاسم آباد

دو ملک	خسراتی	حسن آباد
قصری علیا	قصری سفلا	چاه سبزه
کرج کردان	پر کهور	کرتی کار

مزارع اصداقی

سواد آباد	شفیع آباد
-----------	-----------

قبیه منج محلی است در چهار فرسخی مسور قلعه است
 در بین مسور مثل رزاعت کم و سخیلات بسیار
 مردمش فاطمه حنفی مذهب و پنجاه نفر نوکر ساخلو دارند

قبیه ابراهیم شفا بک فرسخ از فرج دور است قلعه در اینجا
 کم است ولی سخیلات خوب دارد و قلعه محضری در اینجاست
 مردمش لوح حنفی مذهب و قریب یکصد پنجاه خانه دارند
قبیه دومین سشش فرسخ از مسور دور است ایشرفنا
 قلعه کوچکی دارد که قابل سشش ساخلو نیست خراب و در اینجا
 سبک و عمل نماید مردمش حنفی مذهب و قریب یکصد
 خانه دارند **قبیه** سیمیه که هفت سشش فرسخ
 از مسور دور است قلعه ادنی السجده در بلندی قریب
 پنجاه نفر ساخلو از جانب دولت علیه در اینجاست
 مردمش حنفی مذهب و بقدر هفتاد و هشتاد خانوارند
 ارفعا عاتش از سخیلات فی السجده زراعتی هم میشود
قبیه سویمه هفت سشش فرسخ از مسور دور
 قلعه کوچک داشته حال خراب است قریب
 پنجاه نفر ساخلو از حنفی مذهب سکه اینجا است
 سکنه سانی دارد و در زراعت غزنی در میان سخیلسان

قزیه پشته و قنوج به منزل از بمپور دور است از
 جانب دولت علیّه سالار محمد جان ندادی باصفی
 نوکر در انجاست جمعیت محل منور قریب یا صد خان
 مسافر و نسکی اهل است گلستان خوب دارد با حفری

مراعات

ر	ر	ر	ر
قنوج	مسکومان	کسبج	فخر آباد

قزیه لاش را پاره شده شاره فرسخ از بمپور
 دور هوایش فی انجاست سار جا بهتر است غلج بل
 مناید که در آن مردمش از بمپور است قریب شده
 بعضی خانه دار ابلات بلج در انجا نشسته همه جمعی
 و فی ادب سخیلات خوب دارد و ریش سفید انجا
 امیر احمد خان است که کرده و داده در مقام ارادت است

قزیه جانب در کو بهستان واقع است و منزل
 از بمپور دور است ریش سفید انجا امیر اولیا خان

در مقام ارادت و خدمت است چاب سخیلات
 سپار دارد و غلج در انجا بلع مناید قریب هزار خانه و
 سکینه انجاست همه حنفی مذہب و بغایت بی ادب
قزیه کران بهشت نه منزل از بمپور دور است و غلج
 دارد یکی که در کرمی هسته قد قریب که از دیار مسند
 سکینه انجاست همه از اهل تنس و خالی از فهم و قوه
 و سنن زراع قبلی از غلج و برنج میشود سخیلات
 ریش سفید انجاست شی بن محمد خان کرده و مطبوع است
قزیه سر از چهار منزل از بمپور دور کو بهستان
 آبش از زرد خانه اش در بالای سکی مبد و قنوج
 چاد آبش از زنک ریده اند قریب دولت هزار
 اصل نخل دارد و زرع برنج و غلج قدری بلع میباشد
 و در هر خانه دار ابلات و ساکنین و از ده کسین
 در سطح طول است آبش کلا حنفی مذہب و بی ادب
 از جانب دولت علیّه مستط در قلعه نشسته است

قریه مکس محلیت پیش منزل از پور و در قلعه اش
 قابل استحاط میت زراعت غله در آنجا عمل میاید
 حرنی تخمکلات دارد و کبکد و بجا و خانه تخمکلات آنجا
 همه بی ادب و حنی مذہب **سب** محلی است بنبت
 منزل از پور دور آتش از شمش و فاده است و پ
 و دوزخ خانه و اربلوح در آنجا نشسته ریش سفیدش
 محمد شاه خانی است خالی از استعد و نب تخمکلاتش
 فراوان و غله اش کم سلوک فی الجمله عمل میاید
قریه ذک محلی است به منزل از سب دور
 قلعه دارد و تخمکلاتش فراوان مروش قرپ به راجه
 همه حنی مذہب و بی ادبند ریش سفید آنجا به خان
قریه جاتی محلی است به منزل از ذک دور و در
 از انسانیت بهر روز یک بخاران و کلات بطن
 قرپ و دوزخ خانه دارد که آنجا است تخمکلاتش
 بسیار و غلاتش کم ریش سفید مرعم خان و مروش حنی

قریه سرحد محلی است سرحد و کر میر با هم بسیار
 کم غله است آن مروش از پور قرپ و دوزخ
 خانوار که آنجا است همه حنی مذہب و حرنی خا
 واری شیعه دارد بستان روزیک است
 ریش سفید آنجا مدو خان است معدن گوگرد آنجا کمال
 است یا زوار و **قریه** اربذ جان در میان کوه
 بچهار منزل از پور دور مروش رعنی و شیری کلان
 مسما میزند از خود ریش سفید مذد و قرپ پانصد
 خانه که آنجا همه حنی مذہب چندی از جانب
 دولت غنیه ساخلو در آنجا بود این اوقات سیف
 الدین خان کسی که دوده و آنجا است **قریه**
 بزبان چهار منزل از پور دور که آنجا بقدری
 چهل خانه دار است کوهی در یک و سکی آنجا واقع است
 که تا واسط ناسان عالی از رف نیز تخمکلات حرنی
 مروش بی ادب آب و هوایش ناسان



چرف از بلوکات مایه و از نواحی مشهور آن
 مملکت آهش در کتب تواریخ و سیر مذکور و همیشه در کتابها
 لغت مشهور مثل قاموس و غیره مسطور است و چرف
 جنوبان بلد و بهشت مشاکله است بچهل فرسخ فاصله
 محلی وسیع است و وضع آن مقبول طبایع شرقی و صیغ
 محال ربع جبال ماز و سار و ور و سفندقه و رود با
 بان ولایت محیط و عا و لیت ولی از حیث عفت و
 و اختلاف آب و هوا با عساق و جمیم و نایب و جمیم
 و مسودی در هفت ماهه اول سال ساحت ولایت
 نمونه طبقات و وزج و سعیر است و در پنج ماه
 دیگر مانند جو اس خرم معتدل و دل پذیر از آنست
 هر چه بخواهد و هم و قیاس کند در اینجا بعل مساید
 که از برای تحصیل ضروریات کلیه و خزانه است
 که آدمی از آن ولایت قدیمی فرزند شکار کما می بین
 نرینت و فضا کما است انواع شکار با مثل مازن و نمو

و در اج و تیبو و غیر هم در اینجا کمال و فز و وار و کراز و کشار
 و شغال و رو باه را احدی در جگر که شکاری شام
 تا نوکری زانها را بعضی مان آرد از عجایب آنکه کوه
 سر سبز که اقیاب عالم تاب قید قله آن را همیشه
 روزن است و همشده و فاقات مشون سرف و رخ اریط
 چرف االی سران کوه باشکوه ده و وار و ده فرسخ
 مجاورین انجرا از نسیح باب دست شکی نموده است
 انجرا از دور و جاه می رود و شور جاری و از جانب
 شمال سمت جنوب ساری است آب بهر دو بسیار
 سندیه و محسود است و آب شور بی گوار و از چشمه
 عذوبت و در مزارع چرف از این دور و خانه
 کل کسب از این دور و خانه نند های عظیم دارند که آب
 بسیر سر زرد رقه مصرف می رسد و فاضل این دور
 در هفل حرمت سکه مکر مزوج و شرب مزارع
 و نخلستان رود بار می شود در قدیم الایام در چرف

شهری عظم بوده که بنام بعضی آثار شهرت رجاست
 و جمعیت بحد و مردهشته که جمع با بخت زنگانی
 آن جمعیت از خود آن ولایت حاصل شده قرنها
 بعین کامرانی گذرانیده بالاخره آن کامرانی و غیر
 گذاشته و بنا کامی گذشته اند در ارامگاه عزالا
 شوخ چرا که در دوران ناکشته رام القصد تصبیل
 مزارعات و مضافات و فراتر ابعاد این است

مزارعات

سوزن و زن شکر ارباب در دیوان	سوزن و زن شکر ارباب در دیوان
ده شمشیر و شمشیر خاکی	ده شمشیر و شمشیر خاکی
رجو ارباب و دیوان شکر	رجو ارباب و دیوان شکر
سر عار ارباب است چهل شکر	سر عار ارباب است چهل شکر
عکس آوازین اور و در دیوان	عکس آوازین اور و در دیوان
بشت نوار ارباب است چهل شکر	بشت نوار ارباب است چهل شکر

سوزن و زن شکر ارباب در دیوان	سوزن و زن شکر ارباب در دیوان
ده شمشیر و شمشیر خاکی	ده شمشیر و شمشیر خاکی
رجو ارباب و دیوان شکر	رجو ارباب و دیوان شکر
سر عار ارباب است چهل شکر	سر عار ارباب است چهل شکر
عکس آوازین اور و در دیوان	عکس آوازین اور و در دیوان
بشت نوار ارباب است چهل شکر	بشت نوار ارباب است چهل شکر

جالیسکان اربانی سکندر	جری بلا و پهلان اربانی مسکون
سرمای اربانی سحرمانه دارد	حاجی بوی کلمات بیار چهل خانه
دو هوشور و پست خانه سکندر	کهنوز و پیر چهل خانه سکندر
ابو حمر و همکار خانه سکندر	باران سرکل بهت خانه سکندر
کهنوز ملا و کسب طایفه	بارانی کلور پنج خانه سکندر
باغ باب و شعی کلمات دارد سکندر	سور و به غیر سکون است
خانان آباد و سیمکلات دارد و پاره خانه	ماران محسود بی طایفه است
سرف اباد طایفه است	قل سباد طایفه است
اکرم سسی خانه سکندر دارد	جزان صلاح سکندر ملزوم
دو فرجه من طایفه است	علی آباد اربانی طایفه است
اشک طایفه است	بیزی سکون مثبت
طرح خالصه و طایفه است	دارونی و دوانی اربانی پست خانه دارد
مغان اربانی پست و پنج خانه	خانانی آباد بهت خانه سکندر
کهنوز و پیر اربانی پست خانه سکندر	صمیح مطلع طایفه است

آب

آب گرم پنج خانه سکندر دارد	کم غسل طایفه است سکندر
سرحان پست خانه سکندر دارد	زکمان طایفه است سکندر
ررگی خالصه و طایفه است	کر و به ملوک سکندر ملزوم
اسمعیل و وار خانه سکندر دارد	امیر آباد اربانی بار و خانه دارد
سکت سفید سحر خانه دارد	دواری آن از چند کلمات دارد ارباب و دوان سر کله سکندر

جبال از بلوکیت ماچ جنوب و مشرق کرمان معرب
 اسباب وصل است بحر و مشرقش نر ما شیر شام
 بعضی از مجال سار و متصل است و جنوبا بنوا حنی زود
 آن ولایت بلاق است با طاف آب و هوا عدو
 آب و لطف هوایش نوز حبث الما و کوه سار است
 وایش کواری و صحرا و دلا زارش چون ساحت فلک خضرا
 پر از لاله سار با و معت چپش مزرع سبز فلک صحر است
 سکت ساحت صحرا و دوشش چون دامن لاله سپان
 پر از لاله های رنگارنگ جبال لبه ظاهر دارد و علوفه کوه سفید



بواسطه قاطر در استجا و افروختنات و جو مابست جبالبار
 اگر چه بسیار کم است ولی حاصل و منافع کا و دو کوه سفید
 استجا زیاده از اندازه کیف و کم مثال کرمان که بی نظیر است
 و تمامی پشمینه کثیر اصل ماده آن کورک جبالبار است
 و همچنین زیره کرمان که مشهور کل بران است و ذکر
 او صافش از حد حصه بسیار است و زود قوه نا طله از
 او اشته از زبان خواص ان تا توان و عاجز نیست آن
 کوه بسیار جبالبار است اهل استجا قریب هزار خانه
 میشود که در بهار و تابستان در چشمه سار است جبالبار
 و در پائین و زمستان در چیرفت سیاه چادر دارند
 با بجهت تسهیل مزایع و توابع و قرا و مضافات او است
قریه مسکون بهوش کمال اعتدال دارد و پاری
 که ارده بگری اتفاق افتاده است از چشمه سار است
 در استجا موضع سوراخی است که از ان سجاری برقع
 هر گاه از خوبات در استجا بریزند هر مرغی بجز دو مرغی نمیرد

کوه

کوه معدن گوگرد است قبل از آن می شود بقدر سیاه و آ
 سکنه دارد **قریه** فاشکوه است کوارا و بسیار
 خوش بو است آب استجا بجز که هم جاری و بزراعت
 میسران ساری است استجار میوه در آن همه قسم دارد
 ولی باغش در بوار و در نذر و بقدر پارزده خانواد
 سکنه سیاه چادر در استجا نشسته اند **قریه** میجان
 در دامنه چیرفت واقع است در حث چهار بسیار رود
 سار استجار در استجا قریب اکمور و انچه و انار بسیار
 در استجای استجا دبی است مشهور به استجین بقدر استجا جمله
 استجیات دارد قریب است خانوار از طایفه تبرکری است
 سار و در و در استجا توطن دارند **قریه** حشار در روی
 کوه اتفاق افتاده آب استجا از چشمه سار است در استجا
 برف زیاد می آید غیر مسکون است قبل از آن
 میشود ابلاست در بهار و تابستان در استجا بیدار
 مسما بند **قریه** در ان آب کی از چشمه سار دارد

چند همد چار و قدری اشجار رسیده و در آنجا است
 در ماسلمان دو پارچه خار و در آنجا نشسته است
فتنه اخگر در میان کوه اتفاق افتاده و آبش چشمه است
 و هوایش سارک است چند در سبناغ و چند صید
 درخت چنار دارد و ریش سفیدان جبال بارز در بهار و تابستان
 در آنجا در سبناغ چادر سگوش میورند **فرزیه**
 کرم سالار رضا قلعه چهار برج دارد بقدر که در آنجا
 تمل خرما در آنجا است چند پارچه مراعات ناقابل
 مصافات است قریب سی هزار سکنه دارد
 در ماسلمان بعضی از ایلات جبال بارز در آنجا
 مسمانند **قره** عینک میان کوه واقع است
 آبش از چشمه سار و بقدر چاه خانوار از طایفه بهلوان
 غرابی سار دور در بهار و تابستان سلاق بهمانند
 رزاعت قبلی دارد **فرزیه** زراعت چند پارچه قنات دارد
 آب آنجا آبی بسیار کرم است سنگ در آنجا خوش

بعل سیاه و ده پست خانه سکنه و این بقصیل فرزند
 زراعت
 حاکم
 کوز
صیفی بلوکیت بین اشرق و اینجوب آن بلده و تابستان
 اسلوب شرقی است بلوت و غربا کوه پیا
 شمالا برادر و جنوبا بیم از فصل بلده کرمان چهارده
 و شش دور است هوایش در پائین و در میان رنگ
 گلستان و غیرت برستان و در بهار و تابستان
 خون و فوخ و نیران است باغات و لکش و زمین
 روح فرا دارد و نارنج و نارگش در نهایت و فوز
 و تعریف و حرما و حاشیش فزون از حد و صیف
 مشهور عالم است و مطوع منی نوع آدم غلات و حبوبات
 آنجا خوب ولی و فوری ندارد و از حسن ایات
 آنکه یک دو محل او که چهار و شش از صیف و در است
 بناست سرحد و لیدر است در ماسلمان بر فویش



در آنها موجود است و هوای هر یک پسندیده و محمود و
 آب مهل حص از رودخانه است که از سمت کوهپایه باجنا
 باجنا جاری و باغات و زراعات محل نورساری
 در نهایت عدوت و صفا و در غایت لطافت و صبا
 کوارانی آن آب باعث حیات شیخ و شاب اصحاب است
 در قدیم الایام شهری بوده که لبه ایصالحین میسند
 اند حال شری از آن باقی نیست چون کپرف آن لوک بود
 و بیابان متصل است بعضی اوقات از طولانی بلوچ ایل
 اینجا صدمه می بیند فرار و مضافات او از این فرار
مهل صیف آبش از رودخانه کوهپایه یک رشته قنات
 مشهور سیاه نوزوار و باغستان بسیاری دارد که نسبت
 به بخیالت و مرکبات و قلیل مرزوعی و ترب و بوی
 سکنه اصحاب **قره** چهار فرسخ کر میر است
 و تربیت خانوار سکنه دارد در اراضی و این است
مزارعات

فیض آباد	ناصر آباد	میش
کوه حشان	باغ بوک	باغ الکاس
تاج آباد	کناران	مزار

قره پنج مجله توابع و کر میر است مرکبات و بوی
 آب مزارعات کلا از قنات و ترب و بوی

مزارعات

دو سفید آ	زمارت گاه	جمعی آباد
علی آباد	حسین آباد	دولت آباد
حسین آباد	ابراهیم آباد	شجاع آباد
دو نو	شجاع آباد محمد علی	شور
دو خان	حسن آباد	اسکان
دو ملک	همت آباد	فتح آباد
سجف آباد	رشید آباد	احمد آباد

حسین آباد	یوسف آباد	محمد آباد
دو قاضی	رمان آباد	دوست سف

قریه اندر جردمن نواح و کمره است بخیلات و بکانت
 دار و قریب دولت و بجا و خانه دار در اینجا ساکنند
 مزارعات واقعه در اینجا از این قرار است بکجا بی حد است

مزارعات

رضی آباد	کودز اش ارچشمه	مردعب
کدروو	رزار	هزار
جبر	کهنوج	سامان بوز

قریه کیشت کرمیر و در حوالی لوت حاصل مزارعات
 اینجا جنا و خرماست غله هم دارد اش ارچشمه کین
 اینجا قریب کجده و بجا و خانه دار و مزارعاتش از این قرار است

مزارعات

زنان آباد	قاسم آباد	ارجم آباد
حسن آباد	کله	راهسی
سنگ	برک	بشیر

قریه چوشان سردی است در پای کوه واقع حاصل
 باغاش اکور و نار و بلو و ردلو و غیر هم است اش
 از کوهسار و کجه اش قریب کجده و از مزارعاتش

مزارعات

سید آباد	کهن ز	خدا قلع
اکرم	درب کلویه	رکن آباد
دوقلی	رود و خیر خرابه	دبویه
بستاندان خالصه	عبد آباد	حسن آباد

قریه سرج سردی است متصل کوه اش از رود
 خانه و چشمه سار کجه اش قریب دولت و بجا



خانه وار حاصل باغش انور و انور و انور کلان باغستان است
خندان محلی است مسرت تو امان در ده و منجی کرمان
 شرفا متصل است بقره چتر و دو و بوکت و سر آسیا
 محال تا به اصل بلده و غربا بکوستان مضافات
 تا بعد فوجان شمالا بمجال تا بعد بلوک زرنه و جو با بقره
 باغین خالصه حومه کرمان کوهسار است و آبش
 از قنات خور و چشمه سار غلات و محصولات
 بقدر وسعت مراعات و بسیار قلیل است برای غنای
 کوهساز و سایر دو آب محلی مثل و عدیل است بخوا
 مصلحت مانند احوال خلق این روزگار و آبش چون
 روزگار ناما ساز کار در آستان نوز و است
 در اینجا و فوری در و سجده می که که کسی در اینجا باقیست
 که سر بر سر با توانی گذار و شکار لیک در اینجا
 و سهولت میر است مراعات و سکونت است
مراعات

خندان خالصه مسرت خانه دارد	کلور رود مسرت خانه دارد
کلور سار خندان و چهل و پنج خان	نصف آباد بارزده ماهه سکته دارد
خان آباد شش خانه دارد	ده نوبخ خانه سکته دارد
نوز آباد چهار خانه دارد است	کاخ فیرخ خانه دارد است
حسین آباد هفت خانه دارد	رضا آباد دو خانه دارد است
علی آباد هشت خانه دارد	زار کوه غیر مسکن است
اوحد چارده خانه دارد	ار جانک چهل خانه دارد
چاروک پست و پنج خانه	دو کت غیر مسکن
ده بالاده خانه سکته	کریم آباد عالی از سکته
آب ریش ده خانه	چشمه کزنج خانه دارد
کهن بارزده خانه سکته دارد	مکشانی عالی از سکته
نذ نوره سکته ندارد	سخت آباد ده خانه دارد
اکبر آباد سکته ندارد	ده رک سکته ندارد
چاه سی سه خانه دارد دارد	حسین آباد سکته ندارد

محمد آباد سکنه ندارد	برسف آباد عالی از سکنه
کر بر ان سکنه ندارد	مرد سکنه ندارد
حمز درو بخ خانه سکنه	احمد آباد سکنه ندارد
از ششتره چهار خانه سکنه	کر سفید سکنه
کر شکی شش خانه دارد	دو فروغ خانه سکنه
ده جان بخ خانه سکنه	چهاروبه سکنه ندارد
ده زرد خانه سکنه دارد	از کوبه سکنه ندارد
آب ششتره دهی استانه سکنه دارد	بی بی جنات و شخصت بی بی
اسطر خویه بازده خانه دارد	بکوبه سکنه ندارد
چاوه کن چهار خانه دارند	چهاروبه دوازده خانه دارد
محمد آباد سکنه ندارد	کلاستان شش خانه دارد
فاسم آباد سکنه ندارد	رجوبه سکنه ندارد
خروج سکنه ندارد	کر زور سکنه ندارد
دو فانی سکنه ندارد	بوخ خانه سکنه ندارد

حسین آباد سکنه ندارد	رخا آباد سکنه ندارد
علی آباد سکنه ندارد	احمدی جناب حاجی سید جواد
کهن بری سکنه ندارد	نفس حجر



رسنجان از مصلحات بلوکات کرمان و در سمت بین
 المغرب و شمال آن بده حبث مسا کله به سمت خورشید
 فاصله است شمالا بحال زرد محمد و دوت و جنوبا بکر
 و کبوتر خان منجمه خالصیات حومه کرمان شرفا بحال
 تمامان شمال دارد و غربا بحال اقله که شهر با بک
 از محال تا به است اسماصل محل رسنجان در وسط
 حبکا می واقع است طولانی و واسع آب و بهوش
 ناگوار و ناسازگار کرمان و سرماهی اینجا با اصل
 بده مساوی و برابر است چنانچه بهر سال اول تر تا
 اتمه ارضما دی اینجا میا شد و حاصلش ششتره یا صیفا
 از هر جنبش که بچشم تصور و آید خوب بعل میآید مردوش

ارباب پیشه و در فن زراعت و فلاحت ساعی بود
اندیشه اند در سال گذار و دولت و ثقت و سخج سحری
بواسطه نزول رحمت سلی عظیم در فرسخان آمد
که خانه های قلعه و سومات و حمام و کاروانسرای
بیرون قلعه را بکلی منهدم و ویران کرد و ایند که بفضل
از عمارات قدیم قلعه همان نازین قلعه باقی است
و دیگر اثری از آبادانی آنهاست و با بنوا سله ایالی
اسجا در بدر و مشرق شده اند اگر می در محال آبجیسل
بهرام آباد و غیره سکنی دارند مصفا فاشین است

مزارعات

سعاد آباد و مزارع	عبدل آباد چهارده فازه دارد
باقر آباد ده فازه سکر دارد	محمد آباد سکر ندارد
عرب آباد سکر ندارد	بهت آباد هفت فازه دارد
شیخ آباد علیا بلخ و مکاره و قلعه و حمام و چاه خانه سکر دارد	نصرت آباد غیر سکر است

علی آباد ده فازه سکر دارد	شیخ آباد بلخ و مکاره و مکتب فازه سکر
فاسم آباد هفت فازه سکر	محمدی آباد علیا با زده فازه سکر
کریم آباد علیا سکر ندارد	ماهرکت بلخ و مکاره و حمام و مکتب فازه
صادق آباد سکر ندارد	حسین آباد علیا سکر ندارد
فیض آباد بلخ فازه سکر دارد	کریمت فاضل فاضله چهار فازه دارد
اسد آباد با زده فازه و آب است	علی آباد بلخ و مکاره و مکتب و پوزخانه
کمال آباد مکاره و سکر دارد	فصل آباد بلخ و مکاره و چاه چهار فازه دارد
فاسم آباد بلخ و مکاره و حمام و مکتب فازه	ابراهیم آباد چهار فازه سکر دارد
سوسن آباد	عیلی آباد بلخ و مکاره و مکتب فازه
رستم آباد هفت فازه دارد	حسین علیا اگر خان چهار فازه
حمید آباد چهار فازه دارد	حضر آباد هفت فازه است
حسن آباد هفت فازه دارد	اکبر آباد سه فازه است
ابراهیم آباد بلخ فازه سکر	تاج المولع و حمام و مکتب و فازه
کریم آباد سفند و چاه سکر دارد	خالق آباد سه فازه سکر دارد

عباس آباد خاں دارد	بایج آباد خاں کهنه است
عش آباد پاره خاں وار	محبی آباد
میسره وز آباد	موسی آباد چهار خاں
علم آباد دست خاں	مسند آباد دست خاں
زرکون آباد دست خاں	ظفر آباد پاره خاں
لاهیجان بکاد و حمام دست خاں	حسین آنا و سفلا
لطف آباد باغ و حمام دو خاں	علی آباد حاجی محمد حسن خاں
اربع سیم آباد حاجی حمید علی	فخر آباد خاں کهنه
محمد آباد خاں دست	کورک بکاد و حمام دست خاں
فتح آباد سفلا خاں	حسین آباد خاں
شهر خاں آباد خاں	هدیه آباد باغ و حمام دست خاں
دو سنا باد و ده خاں کهنه	قدرت آباد احدانی است
رکبت آباد احدانی است	برزخ آباد دست خاں دارد
حسین احمد ملا احمد خاں	کلا طوس آباد

حسن آباد و ده خاں دارد	رضی آباد باغ دو خاں دارد
دولت آباد و ده خاں دار	سکھ آباد پاره خاں دار
خیش آباد و ده خاں دارد	شهر آباد و ده خاں وار
واسط طلا خاں	مرضی آباد طلا خاں
نعمت آباد طلا خاں	دهنو طلا خاں
اکر آباد عادلین خاں طلا خاں	محمد آباد طلا خاں است
رضا آباد طلا خاں	نقی آباد طلا خاں

نوتات

رضی آباد باغ و ده خاں	شوراب
ده سو	حیف آباد خاں
اسمعل آباد و ده خاں	شهر آباد دست خاں
حسن آباد و حمام مرغی خاں	علی آباد و باغ دست خاں
بایج آباد دست خاں	ملک آباد دست خاں
محمد آباد و قریح خاں	بیت آباد باغ دست خاں

لوتغزی و شیخ آباد پستخانه	دولت آباد باغ قلعه و دو پخانه
عباس آباد و پخانه دار	فیض آباد قلعه و دو خار و ارد
مهدی المومنان دو پخانه	حسرت آباد طاقچه پست
بهرام پستخانه سکنه	سپهر آباد باغ و پستخانه
محمد آباد پنج پخانه سکنه	زادق آباد و پخانه سکنه
علی آباد احد ایستگاه	ماقر آباد و پخانه سکنه
احمد سیخ پخانه	فانسم آباد باغ و دو پخانه
و قوق آباد و پخانه	سحب المومنان و پستخانه
و ده خواجه قلعه و دو پخانه	روانجران باغ و ارد و حصار

کوستانات

داوران غنمان بوها و خور	باب و باغستان و پخانه حاص
رودرچ جدید باغ و در پخانه	ده فاضلی سکنه خار و
علی آباد باغ و بنگاه و پخانه	در ریخ چهار پخانه سکنه
در جو سکنه خار و	جربیسکان سکنه خار و

چشمه سارات

اوراق سیخ پخانه	الانج چمن سیخ پخانه	کرده سکنه خار و
دولت سکنه خار و	سکوسپکه	صیدی غیر سکن

کشکوره و غیره

گلستان باغ قلعه و کتار و پخانه	نصرت آباد و پستخانه	سهمبیل آباد و پخانه
حافظ آباد پنج پخانه	علی آباد بهشت پخانه	حسرت آباد و پخانه
شرف آباد و حجاب و پخانه	سپهر آباد و پخانه	حسرت آباد و پخانه
عرب آباد و پخانه	شهباز آباد و پخانه	احمدانی اخوند پخانه

راور بلوکی است ممتد درین مشرق و شمال بلبله
 سعادت اثر بعدش از شهر قریب سی و سیخ شهر
 شهر قاصد بلوت غربا بحال زندگیا
 کوبستان استال دارد و جنونا کوبه پایه آبش از قنوت
 و چشمه سار و بهوشن لایم و ساز کار مر و مشن
 منشن و رباب پشه و سواره بزراعت و قنات



سند طاسک در لابی کوه چتر خاوه	نجان خالصه چتر ابا بی رصار د
علی مصان خالصه بوشان خاوه	کهن شمشاد و باغ در خاوه کند
کبکوبه جی خراب پیش خنده کب خاوه	و جان شمشاد خاوه و در باغ و خاوه

طو اجمین

علی محمدی	محمدی
ابو شریفی	محمدی

راین بلوکی است بهشت معاین من المشرق و جنوب آن
بلده قریب است و فرسخ از شهر دور است شرقاً متصل
بلوک غر با قبره لعرب بر دسیر شمالا با مان من شمال نحو
کرمان جنوبا بسار دور در خوشی آب و هوای غیرت
خست الما و وصفه و فضا بهت هوش چون عیسی روح
و اشش طغه زن شمشه جوان و کور باغات لبش
و باقین بکین و ارد اشش از و و فوات محصول اشش از شیبی
و صیفی ممتاز و خوب آثار و نو که باغات انجا نبات مرغی



و مطلوب است چون در سرد راه واقع است مردمش
از زرد عساکر مضور و سایر منور وین عالی از رحمت
مزارع و مضافات او از قراری است که ثبت است

مزارعات

کود و فله در باغ خاوه که از باغ و در	کران و بان ابا بی کب کار و باغی در
مطرفه الما و فله و باغ و در خاوه	قره کت اشش فوات که مذکور
محمد آرد چون قره کت است	فنا و فله و بان ابا بی کب فضا و در
نظف الما و اشش فوات که مذکور	کودال فوات و در بالی و کب مذکور
فخر الما و اشش از فوات و کب مذکور	امیر و اشش فخر الما است
سار و جرد و شرح لضا	عباس آباد کبک ا
دولت آباد اشش از فوات که مذکور	محمد آباد اشش و در کب مذکور
سار و اشش از فوات و کب مذکور	کرج چهار باغ و اشش از فوات و در
باب می در کسان عیسی و در و در	بله و در و فضا و کب مذکور در خاوه مذکور

قره نمرود

قره نمرود در است واقع در و منه لوت فله خرابی و در و کب مذکور

طاحونیم آیش از دو مزارعاش از آن مزارع

مزارعات

طولک تراب بیزنج و پکنه	فصاحت غیر مسکون
صح غیر مسکون است	دشت رفان بیزنج و رخا زار
صفت میان دبلانی و پکنه	سبز و غیر مسکون است
چو چون چسپا رخا زار	نزد و پکنه چهار رخا زار
و کفی و در رخا زار	انچه غیر مسکون است
سرخش آن غیر مسکون	سعدا با عدبا سکنه مزار
سعدا با عدبا سکنه چسپا رخا زار	کورد و لونی ابا بی سچسپا رخا زار
خارخانوزن دبلانی چسپا رخا زار	سارخان و سسکنه مزار
سرخش آن غیر مسکون	امریق در دزلیات و مع قلعه خانی و
	شسته آب گرمی و دو دور و پکنه

رودما بلوکی است بین المغرب و الجنوب آن لبد و سعادت
مشکل است بر جنگا و وسیع و سیلابت بسیار بود آیش
کرم و ناس زکار و آیش از سموم فاعی و عطارب انگار

مردش از ناسبت دور و آرمه است بغایت مجوز
همه صحرانشین و دومی کزن منافع و مدخل مردش از کما
و کوسفند و شتر علقه این دو آب در اینجا فراوان پر
فاضل آب دور و خانه شور و طبر و که از جرف میگذرد
شرب مزارعات اینجا میشود و قرب یکبار و با نصد
ایلات و هاشامان آن دار است و هاشامان و نخته اینجا است

طوا یف

تزرک	جوس	رود و بار
------	-----	-----------

طغبات

کمنوج در لالی که بلند	کلا شکر و چکنه	کو بستان
در نهان شاخ و طغبات	و در غایت آب	با اسکنام نام

زرند بلوکی است واقع در جانب شمال لبد و کرمان
سجده و فرسخ فاصله محدود است شمالا بلبل را و در طرف
یلوک که بهار و چنوباره محال کور حومه کرمان و غوا محال
رضجان و ختامن اصل میان زرند حککانی است طغباتی



که دو سمت شرقی و غربی اینجا مشهور است بر اکو و شرقی
 و غربی آب میان رزند و دو بر اکو مشرقی و غربی است
 از قنات است و قبلی چشمه سار و رود آب است
 با هوای اسهل مبد و موافق است و محصولات شوی
 و صیفی اینجا عالی از منقشت بسیار و فرزندان میان رزند و
تیسر میان رزند و مزارعات حول و حوش ارازم است
 قریب و دوت خانه و اصل رزند ساکن است

مزارعات

محمد آباو سکه دازو	شیخ ابا دبار است
سبا آباو هست و پنج خانه	ابراهیم ابا احدثی و خانه
فاج آباو پستخ خانه دارد	شاه هرنز غیر مسکون
کنسوخ ابا و غیر مسکون	شاه مرخ آبا و غیر مسکون
رسجان شش خانه سکه دازو	سلیمان آبا و پستخ خانه دازو
بنیم آبا و شش خانه دارد	حلال آبا و شش خانه سکه دازو

راحت آبا و غیر مسکون	ارزو آبا و ده خانه سکه دازو
یزوان آبا و ده خانه سکه دازو	عبدل ابا دبار است
مخ آبا و شش خانه دارد	هست آبا دبار است
مش آبا و سکه شش خانه دازو	و نو و ده خانه سکه دازو
رزند و ده خانه دواکن سکه	حرمسان خالصه و دوان و خانه دازو
اکر آبا و احدث چهار خانه	مشخ آبا و شش خانه دارد
محمد آبا و شیخ سکه دازو	حسین آبا و غیر مسکون
اهمیل آبا و جدید سکه دازو	لاست آبا و سکه
رشد آبا و سکه	حض ابا دبار است
محمد علی ابا و احدث سکه دازو	حالی آبا و ده خانه سکه دازو
عیش آبا دبار و سکه	محمد ابا و احدث غیر مسکون
کبیر ابا و غیر مسکون	سفر آبا و چهار ده خانه دارد
حس آبا و شش خانه دازو	کریم آبا و شش خانه دارد
حس آبا و ده خانه سکه دازو	و هوی ابا و ده خانه سکه دازو

شیرخ آبا و بار پیکته	حس آبا و بار پیکته
تاج ابا و احداث پیکته	ابرا ابراهیم آبا و بار
فرد و ابرو و نام ابرو	
واپور و ده خانه پیکته	کشور و ده خانه پیکته
سمنشیر کان غیر مسکن	رحیم آبا و غیر مسکن
سجود پیکته	دوباره یک خانه دارد
دوباره احمد شیح کجاء و	اگر آبا و احداث کجاء و
کرد و دو خانه پیکته	آب کور چهار خانه دارد
دوباره احمد علیا یک خانه	کفار و غیر مسکن
سببان و ده خانه و	دوباره
فرد کشک و نام کل و نام ابرو	
کشک و ده خارار	باب کل و ده خارار
دوباره احداث غیر مسکن	زکوره سفلا پیکته
باب کل	زکوره علیا چهار خانه دارد

خبر روبر و ده خانه پیکته	مدین غیر مسکن
صدر روبر و ده خانه پیکته	دار چینی غیر مسکن
لولو به قدیم رخ خانه دارد	اسحقان پیکته
حداد پیکته	دوباره یک خارار
فرد و نام ابرو	
سجود پیکته	احمدی و ده خانه و
کهنه یک خانه پیکته	رمضان پیکته
حضرت آبا و پیکته	احمدی
فرد و نام ابرو	
طرح سجود و ده خانه و	رنگ سفلا و ده خانه و
رنگ و سفلی رخا	حاکم و چهار خانه
کاظم آبا و بار پیکته	شیح کور دارد
مدان سفلا پیکته	باب کور پیکته
باوراف پیکته	سر روبر و ده خانه پیکته
	سجود آبا و پیکته

سکن رخاورد	طبراجرد	سج
قریه محراب و نایب او		
مهرآورد چهل خانه دوازده	حشتم آباد کوه نژاد	کج
قریه سربز و توابع		
سربز چهل خانه دوازده	فتح آباد چهل خانه دوازده	سج
دو خواجه نشین خانه دوازده	خرد آباد شش خانه دوازده	سج
قریه خاک و توابع		
خاک وک هفت خانه دوازده	کورچه چهل خانه دوازده	سج
رق آباد شش خانه دوازده	اب ادبی پیکنه	سج
صفار و رنجبر کن	دو نوبه سکن	سج
دو تراحت کوه دوازده	حشتم آباد کوه نژاد	سج
باب بند خن دوازده	آب دویه علی پیکنه	سج
قریه سبلور و نایب او		
سبلور یک خانه دوازده	مشا آباد چهار خانه دوازده	سج
	دو عباس یک خانه دوازده	سج

شهر دان رخاورد	باب پیشش خانه دوازده	باب حرد پیکنه
دویه دو خانه دوازده	شکره رخاورد	مشا آباد واحد پیکنه
قریه یعقوب و توابع		
یعقوب و خانیکه دوازده	سکس دو خانه دوازده	لصاف پیکنه
باب و سپهر پنج خانه دوازده	رقن آباد شش خانه دوازده	هرم آباد پیکنه
عبدالآباد شش خانه دوازده	هشتادان دو خانه دوازده	هفت آباد پیکنه
سدویه پیکنه	کهنه یک خانه دوازده	سدویه پیکنه
باریان پیکنه	باب اسمان پیکنه	دویه پیکنه
قریه جرفانک و توابع		
جرفانک دوازده	اسفند کوه دوازده	دو نوبه و خانه دوازده
مدیح دو خانه دوازده	مدیح خالصه کوه دوازده	جربش خانه دوازده
دو نوبت خانه دوازده	سحر یک کوه دوازده	داو نوبه پیکنه
قریه جاکین و توابع		
جاکین و چانه کوه دوازده	سکره یک خانه دوازده	باب سحرش خانه دوازده

رود زعفران	دستور سکه در	راز کوه سر خانه دار
روح چهار خانه در	بکوه چسار خانه	کجا و کس دو خانه

فرد حص و توابع

کبش یک خانه در	باب کوه سکه در	ده زعفران
مدفون یک خانه در	سعد آباد سکه در	ستان سکه در
ده میان شش خانه در	ده بلا ده خانه در	فرخ آباد دو خانه در
دو خانه در	روران یک خانه در	دو شب سکه در
کرسان ابر است	امار به ابر است	دارد

فرد جگن و توابع

سنگ سفید سکه در	باب آب پنج خانه	سرای ده خانه در
سکوکان سفید	خانه فاسل دو خانه	سویب دو خانه در
امر دوشش خانه در	سردان سه خانه در	سبلاب خرمسا دو خانه
سبلاب خرمسا	جنگل دو خانه در	حور بکت دو خانه در
ده سبلان دو خانه در	من آباد سکه در	کم سنگ خرمسکون

باب کبشش خانه	ارک در سکه در	ارک بمان ابر است
کند ابر است	گلگون سکه در	هفت ابر است
کهنوج سکه در	باب یک سکه در	آب کز در علیا سکه در
آب کوه سفید خرمسکون	آب کوه وسطی سکه در	دشت مورده سکه در
سعداب سکه در	سراسر سکه در	مرج سکه در
سعداب سکه در	باب یکی سکه در	سرخ فلکوه سکه در
قطره سر خانه دارد	حسک	دارد

فرد سبلان و توابع

میدن شش خانه در	طوارج سه خانه در	مدون جنگ چهار خانه
باب سوجگان سکه در	حوران دو خانه در	حشمته دو خانه در
بکت حجر	ده دوشش خانه در	کهن شریخ خانه در
مرفور ده خانه در	کسجکوه دو خانه در	سرد و صباخ خانه در
سرد و سفید خانه	سرد و وسطی سکه در	باب حوران سکه در
باب کوه مان سکه در	باب خوش سکه در	کوه علی سکه در

منحصراًست بقدر و نحو ولی سبت و زلزله و آنچه بود
 مردوش هم چو در شیش و در حربه سار با در دو ^{راهنما}
 کزین فریب بر رخا در مردم و سکنه انجانست ^{بیش}
 و مضافاً نشانست **قریبا** در بهار و تابستان
 منبع ابلات استماع و سمان ندارد مرفد منور انار
 سید احمد و انجانست **قریبا** اش ار چشمه سار
 در بهار و تابستان منبع ابلات و در رستان
 ابوی مدرو **قریه** جور در میان دو کوه واقع است
 قدری با غنای و مرزوعی دارد بقدر مین خارا
 ستم سکه انجانست **قریه** مرعک است احش ^{سار}
 و با غنای پیدر و دیوار دارد در بهار و تابستان
 بقدر مین خانه در انجانسکوت دارند **قریه** و ^{دیگر}
 آب آن از چشمه سار در بهار و تابستان بقدر
 چنانچه خانه در انجانسکوت در انجانسکوت **قریه** کوه بود
 اش ار چشمه سار اشجار کرد و داکور و انار در انجانسکوت

در بهار و تابستان سکن ایلات منی است **کوه** ^{دین}
 در بهار و تابستان منبع ابلات مجاز و ^{منبع}
 اشجار کرد و آنچه در انار در انجانسکوت **بهار**
 در کنار رودخانه در میان دو کوه واقع با غنای بی در
 و دیوار مثل بر اشجار انچه داکور و انار دارد **کوه** ^{بازی}
 در بهار و تابستان سکن ایلات بهر آستان و ^{منبع}
 و اشجار کرد و آنچه داکور و انار بسیار **بهار**
 میان دو کوه در کنار رودخانه واقع و همیشه خانوار است
 و بقدر نیم فرسخ از دو طرف رودخانه اشجار کرد و
 در زرد آلود و سپ و غمزه دارد بسیار خوش است
 و هویت **سرخک** در بهار و تابستان بقدر ^{مصد}
 خانوار از ایلات سار و دنی در انجانسکوت
 اشجار کرد و در داکور و انار در انان است
کوه متصل کوه سار در بهار و تابستان
 منبع ابلات سار و دنی است در رستان و ^{سپ}

نیجا و خاری مقبلی در اینجا سکونت دارند **سیرجان**
 از عظیم لوبکات کرمان دارند و تا اول خاک سیرجان
 بقدر سی فرسخ است و محدود است از سمت شمال
 بلوک شش بیک در جهه مغرب مجل نریز و سایر محال
 فارس در جانب جنوب متصل است با قطاع و
 جانب مشرق محال ریحان در بر و سیر حلک سیرجان
 با کمال وسعت است و فضایش در نهایت وسعت
 قرار و مراعات خوش آب و هوا دار و باغات
 و عمارات مرده و مضافات آب مراعات و قرار حلک
 غالب از قنات و سرشار است محال که بهایه و بوستان
 اولایت اکثر رود آب چشمه سار آب چشمه سارش
 بسیار با طعم و خوش کوار است نه غده وافر حاصل
 اولایت است و بعضی باغات پسته کساده و بان
 بعل میساید که کوفی حد است مزار مرده و سبنا و باغچه
 موزنین و بعضی غیرت قهوه اصل حلک سیرجان

با اصل جوهر کرمان بحسب اعتدال هوایک ن است
 چنانکه اول تیر ماه موسم حصا و هر دو مکان است
 و قرار که بوستان و قنایه سیلاق و زهره گاه
 و بسیار خوش آب و هواست در وسط حلک سیرجان
 قلعه کوفی فرسخ است که در حوالی آن کوه سبز است
 در سر آن کوه چاه انی است که از سنگ بریده اند و در آن
 در حوالی آن سنگ شغری بوده ارکان شهر امالای
 آن سنگ ساخته بودند و در سواخ امیر تور کورکان
 آن قلعه را بعد از هشت سال محاصره بمصرف در آورده
 سخرانی انجام نمود و تحصیل اسبی فراوان با بعه اسب
قبه سعید باو مشتمل است بر سیصد خانه و پنج خان
 در سه درب جام و یک در ب کاروان سه و چهل فرخ
 در ب و کاکین و چهارده در ب باغ و مراعات
 فاباب با سنگه بر مرمره از فراری که است
مراعات

جعفر آباد دو مازو	حاج محمد شیخ خان زود	ما سنجان سکندری
باغ محمد غیر سکون	حرر و بلخ چهار خانه	حسنه چهار خانه
سعد آباد	کشور باره و چارو	دو کارست مازو
محمد آباد سکندری	خانم غیر سکون	سدنی سکندری
حسین آباد سکندری	حسین آباد برنجی سکندری	امین آباد غیر سکون
حیدر آباد سکندری	حسن آباد غیر سکون	آباد مست خانه
برر ابو خ فارار	کریم آباد سکندری	دو خطب الدین سکندری
دورگان سکندری	رقن آباد غیر سکون	سلطان سکندری
دوره قری سکندری	دولت آباد سکندری	کلیه حاکم و سید و چهل خانه
کمال آباد	نصیر آباد	حسن آباد
محمد آباد	مراد آباد	منظف آباد
جبال آباد	حبیب آباد	سختن آباد و شیخ خان
کهنکان	سعادت آباد	محمد آباد
حسین آباد	فصح آباد	علیه آباد

عزرا آباد بابر	حسین آباد	حسین آباد
خردز آباد و بلخ	صفت آباد	رحیم آباد
نظری بابرست	اکر آباد تمام و بلخ	مزارو

نصرت آباد مثل است بر دویت و چاه خاوری که
 دویت و پنج درب و کاکن و شش در بلخ و کبر
 تمام و کبر حسینه و مراعات منضمه و این

مزارعات

سلطان آباد	عماد آباد جامی و دو خانه	محمد آباد
منظف آباد چهار	سبارک	محمد آباد
محمد آباد جامی و دو خانه	حسین آباد	نصرت آباد
منظف آباد چهار طاق	جعفر آباد و پنج خانه	شیرک آباد
عجاس آباد و شیخ خان	منیر و زو	محمد آباد
کلک و دو خانه	ده آفا	جان غمی دو خانه

ارژ آباد	دوبو برز از صاخ فاع	محمدی آباد
حسین آباد	کرم آباد	محمدی آباد خانہ دار
سہ آباد	دوبو سرخ خانہ دار	عابد آباد خانہ دار

قبر کمال آباد مثل است بر پست و رخ حاد ار کتہ
 و بگرد ب حمام و یکت حسبنہ مزارعات ملحقہ او این است

مزارعات

تاج آباد	جمال آباد	فاسم آباد
خلیل آباد	حسین آباد	حافظ آباد خانہ دار
نعمت آباد	کشکوبہ	حسن آباد خانہ دار
عیش آباد	زارو	زارو

قبر زید آباد مثل است بر دو لب و شش سوخت
 و پست و رخ در ب و کاکین و دو در باغ و دو
 حمام و یکت حسبنہ و مزارعات ملحقہ انجا این است

مزارعات

ساسانی	دوسر	حسین آباد
دار آباد	حسن آباد	بر آباد
بابا جاسچے	اسب آباد	نعمت آباد
رحیم آباد	حضر آباد جہان	دو نعلب
دو نعلب	اکہ آباد	مضر آباد بارش
سلطان آباد	رحیم آباد بارش	اسب آباد خانہ دار
حسین آباد	دولت آباد	عباس آباد
محمود آباد	رکن آباد	زید آباد
اکر آباد	جہد آباد	فاسم آباد
کرم آباد	محمود آباد	حسین آباد
ملا جاسچے	زارو	زارو

قبر ملک آباد مثل است بر کبید و مفا و دوخ
 و دو در ب و کاکین و دو در باغ و بگرد ب حمام مزارعات

و منضات و مضافات او این است که بش افاده

مزارعات

فادر آباد	محبی امیر شاه	تاج آباد و خار آباد
سبحان آباد و خار سکه آباد	فانضی	ارجم آباد
عباس آباد	فخر آباد	حسن آباد
صالح آباد	فتح آباد و خار سکه آباد	دارستان
دارد	رضوان آباد	اله آباد

قبر سیرجان گفته مزارعاتش تقریباً است که بش

مزارعات

کریم آباد و درویش خانچه کابان	عرب آباد	کهن شهر و باغ و باغ خان
صبر آباد	ده نوح خان دارد	منصور آباد و درویش آباد
دارد	فتح آباد	رزم و چهار خار آباد

و تین کران و سعادت آباد و افغان و قهستان

مشهد کعبه خانه و اری کعبه چیل و ده درب
دکان و دو درب حمام و دو درب سینه بن اریخ

مزارعات

کورکاد	حسن آباد	حسن آباد
سبحی آباد	سعادت آباد	دولت آباد
دبیر	و فاضلی دو خانه دارد	سپهر آباد
شرف آباد	کهن چهار خانه سکه آباد	مرآب آباد
دو سلج	مراکت	بند بزم کسب آباد
هفتد	ادرغان	نوجان و شاه دارد
حیرستان	حر محمد	عباس آباد
سروستان	دارد	دارد

قبر شرح مشتمل است بر ده و یک حسینه
و مزارعات و دیات منضمه آنجا او این است

مزارعات

دره	دره	دره
دهر	کفرز	درج
دره	دره	دره
محمد آباد	باسفودان	کهن شور
دره	دره	دره
زارد	زارد	کلکون

مزارعات واقعه برك رود

دره	دره	دره
محمد در سفلی	محمد در علیا	مدخاب
دره	دره	دره
ده گمت	عر آباد	محمد آباد

فتیه بلوردستل است ربهی و رخ خانه و یک حسبه
دیک حمام و نش در بیاع و مزارعانش این است

مزارعات

دره	دره	دره
حره	محل آباد	کشکره
دره	دره	دره
کنج	کر بن	ضرب آباد
دره	دره	دره
مدارد	عیش آباد	زبان
دره	دره	دره
کهره	رودج	اسطور

فتیه پاریز واقع است در کوه سأل نود و هفت
حوزه دار و کبصدوسی و رخ خانه و یک حمام و یک حسبه

فتیه چهار کسبند محل کنای المات پیاپی است
و غیره در آن استمان اینجا میباشند کبصدوسی
حوزه دار چیده دارد و یک در حمام و مزارعش
امام زاده واجب له عظم حضرت سلطان در آن واقع

شهر بابک بلوکی است در محاذ شمال و مغرب
شهر کرمان و از شهرانی شهر بابک سخما چهل فرسخ
شمالا ریاط صاچی و غربا بحال فارس و جنوبا
بیرجان و شرقا فرسخان محدوده است اصل شهر بابک
مصب است شهر مانند می برسد و عمارات پسند
جلگه است شهر بابک با وسعت است و آب و زمین
در نهایت صفا و زینت کجده مرغ و آب و اعظام



بسیار مناسب در مردم بخارا مریت پیشه
 که هفتل مکاسب است در اطراف شهر محلات
 دارد مثل بر عمارات و باغات آب و مزایا
 غالب از قوت است چند قریه از توابع انولایت
 میباشد که کمی قریه مسمد است و از غراب آنجا
 از ارباب شوکت و استلار از بهرینست کمال
 بهم رسیده زیرا که سیمند در اطراف رودی واقع
 که در میان دو کوه رود است و از طرف رود کوه
 مسمد بلند قدر برابر آسمان در زراعت دو کوه مردم
 هر کس بقدومت خود خانه ساخته با معنی که خانه
 مثل بوبند در زیر کوه کسند و پر و خسته در یکجا
 رود باز کند آشته و در برابر در دیواری سکر آنها
 با اسباب دفع دشمن پوسته درین آن و بود
 نشسته اند و شبها سزون ماسند و آب آرد
 همه مصارف خود میرند و دوقه و سایر با بجا

در آن بوبند با ذخیره و اندوخته که از هیچ
 معطلی و دست نیکی ندارند صاحب آن خانه که بود
 خانه با استخاط نشسته احدی را کجا یارا و جرت
 عبور و مردوست مجامعه و پورش و سایر اسباب
 قلعه گیری هم تصرف در آن مکن نیست تا به تسلط
 توب و لعنت و چهاره و سایر آلات حرب و کما
 در اینجا کار رود با صد خانه نخب و در میان آن
 میباشد که هر خانه صاحبی علی حده دارد و احدی را
 تصرف در خانه دیگری مکن نیست بجز بوی کردن و
 از خانه از قدیمه جماعتی نقاب مسمد که مانند موش
 و مایه در کار خاک و آب آگاهی دارند مبلغی معین
 اجرت مکنند و خانه را کسند و پر و خسته و مریخ
 در آورده میفروشند و صاحب خانه بطریق که بجا
 ایراد و رفت در اینجا مکن نمایند سایر مجال از این
 مراعات خود بشاید یک که اجاره کند و آب آنها از قوت است

مزارعات خور

آدمک	دانا	خانیه
سهر	قره سوسه	موج
حسین آباد	حسین آباد	قشاد النورج
عباس آباد	خورسند	مظفر آباد
مرحل	بهادر شرح	جبلکوه
رمجسره	حسن آباد	بهشت آباد
قطب آباد	دو ز میر عبد الوهم	دو ز میرز آباد
کودک	دو دباغ	دو قاسمی
احمد آباد بابر	محمد آباد محسبه	کهرت
اسکور	محمد آباد	سادات در کماله و شکر
روسه	روز بهار آباد	کشکونه
زرینه	اسبرق	کشور
همیشه آباد	حسین آباد	کوشک بردان نصیه

نلا

کوشک نوبری خالصه	کشکونه	محمد حیدر
سمنش آباد	سمنش آباد	کوه
کشکونه	بد بخت	دسته
محمود آباد	برجوا	شباب
شرکت آباد	سیدویه	برف
عاجی اسخی	علی آباد عباس	کلوزر داب
کوبستانات		
نصیه میندایش از چشمه سار و کوه اش قربت نصیه		
خانوار و مزارعات و مصمات و مباحث از این مزارعات		
مزارعات		
لای حسین	لای شکرکوه	در بنید
در ملک	سباز	مشکون
میش رودخانه	همشکونه	کلاب
چینار	زرکله	بهشت کر

قربیه بیشتر آن چند مرزعه نزدیک یکدیگر و سکنه
انجا قریب بشت بهما و خانه و در و مزارع اش را از جرارد

مزارعات

سبب پل	چوبین	سلبانی
خانان آباد	ملک آباد	مشح آباد
برد آباد	چشمه مخمور	مارد

قربیه با قلمه سرحد است قریب و دولت خانه
سکنه دارد و مزارعات و محلات او را بفر آرا

مزارعات

اکلوس	حیف	دبو
سج	کنوج	سرخان
رلبه	حسن آباد	مارد

قربیه راویز و بزرگ جنب یکدیگر است از چند سار و در

بفر

کصد و چاه خانه که دارد و مزارع اش را بفر آرا

مزارعات

رودین	ما سکه	راویز
جلال آباد	در سعه	جویدی
مضمر آباد	اسانده	سراب
مهن آباد	در سپده	در کردی
در باغ	حیوه	مهاجره

قربیه ایدر چند مرزعه چشمه سار و سکنه اش کصد و در

قربیه مدوار در در و سرخ میان کوه است پارو
مرزعه چشمه سار دارد چند در باغ و دولت خانه دارد

قربیه تپه و بهر ما سکه یکدیگر است می و سنج مرزعه
فاساب و چشمه دارد و چند در باغ و دولت خانه دارد

قبر جوز می رشته مرغه قاتاب چشمه
 وارد باغات لمر و کبده و چنار خار کنه دار
قبر درج است رشته قات و چند باغ و درخت
 دولت و چاه خار کنه دارد **قبر** خبر و نکای
 بهت رشته قات در حین کد که دارد و سر صد
 کنه انجا کبده و چاه خار و است **قبر** ربط
 در جنگه واقع یار بد آب و هو است بهت
 رشته قات نزدیک کد که دارد و کنه ان کبده

کوستان محلی است مفرمان در سمت شمال بده حین
 نشان شرق متصل است بحال را در غربا سیا آب
 و باقی جنوب بلوت شمالا بحال زرد و شمل است
 بر جنگه و کوستان هو ایش با شهر کرمان کسان
 مردمش از جهالت دور و از مراتب که حد است
 در عینی با بره و سرور ایش از قوات جاری



و بناق مرغاش ساربت معاون سرب استجا
 خوب و مرغوب است چنانکه از کین سرب چهار
 مقال نقره حاصل میشود ولی حالا توسط جهلات
 او صلح خراب و ارتکار هشتاد و محصولات
 شنوی و صیفی انجا خوب بعل مایه اما و فرزند
 بعضی بل مزارعات و مضافات و کنه ان

مزارعات حمد

حرر آباد سکون قات پناه	افراد آباد قات آب سکون
حمام آباد سکون و شل قات	دو بر علیا قات آب سکون
ابو الوار سفلا قات سکون	دو نو امام زاوه قات آب سکون
محمد آباد قات آب سکون	رارشکان قات آب سکون
ابو آباد قات آب سکون	سرد آب آباد قات آب سکون
مقیم آباد قات آب سکون	دو بر سفلا قات آب سکون
بدین خواجهر سفلا قات	کهن آباد قات آب سکون

اسلام آباد فائت آب و سکن	وہط فائت آب و سکن
رشتہ آباد فائت آب و سکن	نصرت آباد فائت آب و سکن
کوہک فائت آب و سکن	آسمان آباد فائت آب و سکن
خیر آباد فائت آب و سکن	کشور فائت آب و سکن
دہ نواز فائت آب و سکن	سرور فائت آب و سکن
شہ آباد فائت آب و سکن	چوکان فائت آب و سکن
باب کنگ فائت آب و سکن	آکھن فائت آب و سکن
مورگان فائت آب و سکن	دہ سالار فائت آب و سکن
دہ نواز فائت آب و سکن	ابوالوار علیا فائت آب و سکن
دہ ایز فائت آب و سکن	مزار

مراعات کوستان

باب حرمی چشمہ مار و سکن	توتویہ چشمہ مار و سکن
اسناج چشمہ مار و سکن	باب سے وہی چشمہ مار و سکن
باب حرم چشمہ مار و سکن	باب جام چشمہ مار و سکن

سبلدیہ چشمہ مار و سکن	کر وان چشمہ مار و سکن
کر بکر فائت آب و سکن	مبکر فائت آب و سکن
مدان فائت آب و سکن	ہند کوہ فائت آب و سکن
کنڑی چشمہ مار و سکن	کارکن چشمہ مار و سکن
دو چشمہ مار و سکن	دو نوسفند ری فائت آب و سکن
شورک علیا فائت آب و سکن	شورک مطی فائت آب و سکن
شورک سفلا چشمہ مار و سکن	سادوہ چشمہ مار و سکن
خانک چشمہ مار و سکن	مزار

قسط علی دہلی

قریب سے فائت آب و سکن	زید فائت آب و سکن
دہ میر فائت آب و سکن	ماسکو فائت آب و سکن
ب فائت آب و سکن	رنگ فائت آب و سکن
تر کوہ فائت آب و سکن	حسین آباد فائت آب و سکن
حسہ آباد فائت آب و سکن	عشر آباد فائت آب و سکن

مور فئات آب مسكون	كوشكور فئات آب مسكونه
نصرت آباد فئات آب مسكون	كرمانى و حنج آباد فئات آب مسكون
كار رو فئات آب مسكونه	عنه آباد فئات آب مسكون
حكيم آباد فئات آب مسكونه	ده گنار فئات آب مسكونه
شكر آباد فئات آب مسكونه	مشح آباد فئات آب مسكونه
محمد آباد فئات آب مسكونه	مضور آباد فئات آب مسكونه
محمد روى فئات آب مسكونه	مزارو

تسيرة فئات آب مسكون

فوز چشمه مار و مسكون	ديكان چشمه مار و مسكون
گهنوج فئات آب مسكون	سه بند فئات آب مسكونه
رباع گهن فئات آب مسكونه	درب آ فئات آب مسكونه
ش در چشمه مار و مسكونه	لوك چشمه مار و مسكونه
رود كر چشمه مار و مسكونه	سبه لوكه چشمه مار و مسكونه
باب كر در اسخ فئات آب مسكونه	چاه بوم فئات آب مسكونه

اسفنج و توابع

اسفنج خيبر مسكون	سكويه فئات آب مسكونه
كم كويه فئات آب مسكون	علي آباد عليا فئات آب مسكونه
رندكان فئات آب مسكونه	علي آباد سفلا بيار است

كوجر و توابع

كوجر فئات آب مسكون	خود راني فئات آب مسكون
د هو چشمه مار و مسكونه	كمت در چشمه مار و مسكونه
ر كم چشمه مار و مسكونه	ر و بامويه بيار است
مفت م آباد بيار	بهشت آباد بيار

كوهستانات

جوسف فئات آب مسكون	سكان چشمه مار مسكون
مهر چشمه مار مسكون	بيرو فئات آب مسكون
گهنوج فئات آب مسكون	بوركان فئات آب مسكون
باب و هو فئات آب مسكونه	په بركان فئات آب مسكونه

مزرک چشمه مار بکنه	جزو چشمه مار غیر مسکن
دوشنبون چشمه مار بکنه	بد چشمه مار غیر مسکن
کرد چشمه مار بکنه	جر زرفات آب غیر مسکن
چارو چشمه مار بکنه	اشت آباد فاش بکنه
الکوه چشمه مار بکنه	مسکنان چشمه مار بکنه
سکوه چشمه مار بکنه	دو رود چشمه مار غیر مسکن

کو بیاب محلی است بین شرق و شمال آن لبده است
 شمال شرق متصل است بکنیس و غرماز زرد شمال
 برادر جنوبا بحال ابید حومه شهر مثل است بر کو مسانا
 و مراعات خرد و شمس از اشمش معلوم میشود و طویش
 از طرشش مفهوم آتش از قنات است و هوایش
 سرش آیات دروه فرسخی آن لبده واقع و علف آنجا
 وافر و بسیار و دو آب و غنم را سازگار است
 محصولات تنوشی و صیفی خوب بعمل میآید ولی خرد است



و حاصلش زیاد در مزارع لارمه اهل اولایت میباشد
 برای شکار محلی است و لذیر و شکار گنک
 بسیار و بی نظیر مصافات و مراعاتش این است
نسه در حشجان آتش از دهنه کوه می آید و دو قطر
 این باغستان است و مراعات خرد و بموجب تقصیل دارد

مزارع ارباب

سردان بکنه	سام کشان دوازده	باب سنگ دوازده
رمکان دوازده	رمکان وسطی دوازده	سرطاحره دوازده
رمکان سفید دوازده	فرسخ کجانه دوازده	باغ ظاهر کجانه دوازده
دمق المارخ خادو	لمکش کجانه دوازده	دوهر حولا کجانه دوازده
باب باهوی بکنه	فریه لولوسه خانه دوازده	انارستان سفید دوازده
بججان رخ خادو	باب برسی کجانه دوازده	کد اعلی بکنه
کچیک خانه دوازده	کچار کویه بکنه	قار و در بایر است

مراعات و محنت در درون

مکرین سرخانه نوار	سینه نیران ریخته	دوهر یکمال سرخانه
دوهر یک لاری کخانه	سر اسباب کخانه	دایک و نیم چهار خانه
خراباد دو خانه	باغ چشمه یکجانه	اسنی اباد سرخانه
برود کبخانه	فرصت صلاح ریخته	دو عمان سرخانه
سر طاحره یک خانه	شریف آباد کخانه	باغ گلین یک خانه
دو سبب عبدی خانه	دو سبب مطی خانه	دو سبب سفلی خانه
میان قدم سرخانه	کرمانی سرخانه	طیبات عالیعه در خانه

فهرست از توابع در حشیاں بدو فرسخ فاصله

فوسک دو خانه دارد	نصرت آباد کخانه	رزنه کبخانه
باب سرخ کخانه	در کلون کخانه	طاحره مسکنه

فهرست یک اش از چند مار در مرعاش از مرعاش

باغ بالا مسکنه	پدیو دو خانه دارد	دوهر غیر مسکن
----------------	-------------------	---------------

خر و بقان سرخانه	مسکریه کبخانه	در اسباب سرخانه
طاحره علیا مسکنه	طاحره سفلی مسکنه	مضمون آباد مسکنه
فرز نهر و غیر مسکن	سدر و دو خانه	سکسرخ خانه
علی آباد دو خانه	باب شه مسکنه	سر خسل عبدی مسکنه
سر خسل سفلی مسکنه	مئی مسکنان کخانه	عبدل آباد کخانه
شبه یک مسکنه	باب امیرستان	هم فایده کبخانه دارد

قریه در آن متصل است بلوت و مرعاش این

مزارع

مکنده بابی مسکنه	اضطر خوره کخانه	دو در نورد برچی کبخانه
سجک دو خانه	جربستان کخانه	دو نورد کبخانه
در سجک مسکنه	در آن سش خانه	باغ عمر کبخانه
در باغ غیر مسکنه	باغ بالا یک خانه	دو سبب کخانه
طاحره غیر مسکن	طاحره در آن مسکنه	مزارو

فتیر حر جبهه مرزعات خور و دار و سمبانش

مفضل است بلوت و نجه حراست و حفاظت از طرح
شش برج ساخته اند که مسطح است و انجا نشسته و آنرا
و مضنات و لغات حر جبهه باین نصب است

مرزعات

سر خاران لاله برچی	کرک لاله برچی	دستر کجانه
کرکانی سر خاران	فاه مالک سکه	باب بند و خانه
سراکت کجانه	دبوره بیع سکه	رنگان کجانه
دبوره سکه	باب رود و سکه	بکوره و خانه
سنگت و خانه	سنگور بکت فاه	فاه صالح سکه
حر جبهه مرزعات	رود کوره و خانه	دو کجانه حر جبهه
حرق چهار خانه	آدوری سکه	کورک چهار خانه
دبوره سکه	بکت لاله برچی	دهری لاله برچی
چهار برچی دار و دار	سراکت کجانه	طاحوره سکه

سده بکت کجانه	گردک رفا	فاه مین کجانه
دو زمان کجانه	دبوره سکه	بزر مغلی چهار خانه
بزر مغلی کجانه	دبوره علی نخری	فاه مین کجانه
مادامه کجانه	خار کوره خار	کج سفید و خانه
کج مغلی و خانه	فاه کرم و خانه	طرح بکت خانه
رقیه صبره سکه	سفرح و خانه	دو بکت خانه

قریه حلق مرزعات خور و دار و اقمه است

در کوهس را آتش از چشمه و مرزعاتش از قره

مرزعات

سده بکت خانه	سین بکت خانه	رق آباد و خانه
کر بکت چهار خانه	سبب کورک رفا	سبب کورک رفا
	دبوره حضرت	فاه شب خانه
	سازاده محمد کجانه	
کسان دو خانه دار و کور کجانه باب کور کجانه		

باب روبرو سکندریه	باب سرور سکندریه	باب روبرو سکندریه
سنگ کوه سکندریه	سنگ کوه سکندریه	سنگ کوه سکندریه
رزرگه در خانه	چاپ روبرو در خانه	بجگدک در خانه
سنگ در خانه	باکدار علیا سکندریه	لجان بکت خانه
رشفان کجانه	باب در کجانه	قره زار بارزده خانه
قره مسعود در خانه	مغز آب در خانه	کنج چهار خانه
کوه بکت خانه	گورکت در خانه	اصطخر بکت خانه
آب ریحان کجانه	سردر خانه واز	نذر در خانه واز
بغابند در خانه	مکاتب کجانه	کاسه بکت خانه
پای سب خانه	دورزگر در خانه	طاحره مغز آبار

قره زار عمر سکون
مجر

گورکت و ریحان

گورکت و ریحان در جنوب بلد سعادت اسلوب
شرفا متصل است مجال رود بار خوا بضافات
اطلس شمالا با سفده جنوبا با احمد بی

من محال فارس محل تربر برج کوهستان و جلگه
آبش از قنات دره در خانه و حبسه سارات
جاری در باغات و مزارع سارات است
دره آبش چندان است یاری است که توان بجام
سپان آورد چون قرب جوار کرمسوار و آبش
از سردسیر گذشته دیگر سردسیر سیده از وجبات
احوال مردمش حکایت باید آثار مردمی سینه و آنچه
سکه اش اثر و اش و پیش منبع لایق بود از فادرات
شکار می که مشهور و بغایت خوب و مرغوب است
از اینجا است دین عیت کوه حکمتایه باقیه العی
زیرا که در محال تربر در ناستان و بهار ارگستر
و سایر جا نوزان موزی زیاده از حد میان و اهل آن
تفصیل توابع و مزارع است و قرار و مزارع این

گورکت و توابع

گر سبغات و مزیدی و قوهری و غیره	شمال است از چهار سو و فامی که رنگ
نیزمان پیش چشمه در سبغات	رنگ کار که اسل چشمه دور و غامد و غامد
سسته دور و درستان رود	سلاهی سینه آدر طاهره کلبه دار و اسل
گر سبغات باغ و طاهره دور و غامد	سر دور پیش از که باره خانه د
سبغات غدا پیش از دور و غامد	بار و جت عمر مسکن و لمبرغ است
شاه باران بار است	فانت نایر است
ده و کمان که و یک خانه د	ده سالار که در سبغات و چشمش خایه
اگر مزیدر سبغات کای غمینه	کله زبان و در که اسبغات چهار خانه
سبغات پیش چشمه چهار خانه د	در چهار طاهره جامع و چشمه سبغات
کلان چهار سبغات و کلبه و سبغات	مبارد
ده سرد و توابع	
مزار سلوی که چهار سبغات و چشمه	جرغان طاهره جامع و فخره دار و طاهره
مکان طابغات در رخت و سبغات	رصلان پیش چشمه باغ در رخت و ده خانه
چشمه در سبغات و سبغات	دزده بایر است و سبغات

از قزو

فرد سرد فانت سبغات عالی است	فانت طابغات سبغات و ده خانه د
جرغان و بایر است	کلان دهان آمد هر دو طابغات و طاهره
جرغان و چشمه عالی است	نوراد فانت آب کمی دارد و چشمه مسکن
کلاغ لاجب سبغات قبل از آمد	سبز و سبغات در رود است و سبغات
کله فانت آب و ده خانه د	در سبغات آب و یک نایر
سبغات فانت آب و ده خانه د	ده سالار فانت آب و ده رخت و چشمه
چشمه نظر حزقی در سبغات	ده بایر است عالی است
سیاه گور	
واقع است فشق ابلات در هر سال که رود	
رحمت الهی بسیار است قبل زراعتی میشود	
فلا مکان فشق ابلات موجب جزوی است که	
مزارعات	
انکه مودر سبغات	باغویه سبغات

اسطرخوبه کباغ دارد	باب وان کباغ دارد
بشت کوه یکدرب کباغ دارد	مزارد
صوغان و توابع	
صوغان مسله خرابه دارد و بخت کوه سیاه	
واقع عمده ذاکره مراعات انجا در کجا منزل دارند	
و تخمیناً سه سکه صوغان بخت مسله و ارمیو	
تفصیل مراعات مسله صوغان این است	
مراعات	
دوان رود است بر سال که برکت زیاد می شود اما در زراعتی سوز	آفتن بیلوی کوه است و بیل بخت دارد و در حاشی انچه و انار
باید خاک بر آب بر بند آب را	مسلمه دارد و در چهار چشمه
زراعت رسانند بر سال که خشک سال است بزرع دور و خار	و غاسله ار سخته
ز آب شاک آب کمی زرع است	سرخون فانت اب و کمی زرع است
حوراب و باغان فانت اب کمی بخت	سنگان فانت اب کمی زرع است
دست و فانت اب در مرد	محمد آبا و غیر سکون در مرد



کباب دولت آباد ارزو بر دارد	عباس آباد قبیل زراعتی دارد
قبره اماد اشیر از فانت کوه دارد	مزارد
کوک مسلی است در مشرق بده کرمان قریب	
پست و سطح از شهر دور شهر فاما و جنوب متصل	
بمال ضعیف شمالا و غربا اتمام دارد و بمال این	
جلکانی است محض در میان دو کوه افاده اش	
ارخچه یار و قنات و هوایش جهت آبات	
مشکل است بر باغات و بیاتین خنرم	
و اما کن سرحت توام محصولات تنوی و صیفی	
انجا بسیار کم است سجدی که مردمش نا چون	
از سار بلوکات میزند محصولا عا ش بسیار	
قراوان و ارزان غالب حاصل ما عا ش کس شیز	
و بلو خشک است که اش هم جهت سخما میزند	
محللات و مراعات او این است که در	

اردکان	عصبه	کوس
خیرآباد	رزق	تاج آباد
حشید مار کابیر	ده ملک	زده کان
کوکان	کلبکان	حوربان
زبان آباد	چار باب	حشید مار دریا
میرکوبه	دامن کوه	زده رزی
تاج زهریزی	محمودآباد	شاه آباد
سخت آباد	حشید مار کوبه	شار محمد قطب الدین

عجب آنکه در کوک حشید است بزک که اهل آنجا دریا
خوانند پایش را کسی ندیده درشته و هم اجبی
فقرش ز سیده دوره اش سخما چاه مفت نرسع
بسته یک در خصوص ریگ می آید در وی اورا می کرد
چنانچه در وی دوره برود می شنید و باوقات اردو قدر بی بی



زهر محلی است که میر با صید نجا شرح
از شه کرمان در شتر فامصل است بلوت
عزبا کوه جبال از شمال سلوک بم جنوب با جبال
مداو و هوو بان جلکانی وسیع و درستان
محل دگش و بدیع است آب پاره از زراعت
از کوکوسان جبال با زر و بعضی از قنوات جاری
و زراعتش ملایم است مردمش بومی ایست
شنیده و مراتب مردمی را تصفیه اند به مسلمان
و از دانش و پیش گزراستند غله در آنجا فراوان
و از آن در مرار عاقتش شومی و صیفی در برج
دو سه خوب بعل میاید سکنه اش از همه
حبت بقدر یا بصدق ما نوار و منار عاقتش از این جا

مزارع است

قطب آباد و قنات	مردستان	باغات شاهی
-----------------	---------	------------

رود	رود	رود
خیر آباد	مکت	رود مکت
رود	رود	رود
محسن آباد	طالب آباد ریکان	محلہ بود ریکان
رود	رود	رود
مکت آباد	رزق آباد لیزع	حسن آباد
رود	رود	رود
زبد آباد	آباد پشت در	محسن آباد
رود	رود	رود
نیزان خاص	حاجی آباد	بیویان
رود	رود	رود
فات مخد	چار داکت	مردار
رود	رود	رود
نور سخ	حسن آباد	روزان
رود	رود	رود
کجب	طرز	رود مکت
رود	رود	رود
سف آباد	سرهک	حسن آباد
رود	رود	رود
محمد آباد	حسن آباد	فرکوش آباد
رود	رود	رود
کرک دمنه	کرک دمنه	حجر جد
رود	رود	رود
موردان	بند و امنه	در مرغان
رود	رود	رود
حفیف آباد موردان	یک درآر	بند سنگ لیزع
رود	رود	رود
سر آباد	مهور ک	آب کرم

رود	رود	رود	رود
خیر آباد	کریم آباد	سنبا آباد	سش آباد
رود	رود	رود	رود
خیر آباد	کرور	سیر آباد	رود
رود	رود	رود	رود
جید آباد	بخت آباد	جهان آباد	رود
رود	رود	رود	رود
حسن آباد دک	کرم آباد	دینف آباد	رود
رود	رود	رود	رود
مبارک آباد	باشم آباد	حفیف آباد	رود
رود	رود	رود	رود
عبدل آباد	ده کان	سرک	رود
رود	رود	رود	رود
محسن آباد	دور بر	کنندر	رود
رود	رود	رود	رود
کریم آباد دک	ده نودا دیه	طرح آباد	رود
رود	رود	رود	رود
صالح آباد	عده آباد	جاکی عطا بابر	رود

کتابخانه
مجلس شورای ملی
تاسیس ۱۳۱۲

۹۱

سرآباد	سرآباد	سرآباد
ماله	ماله	ماله
نقعه آباد	نقعه آباد	نقعه آباد
لجیان	لجیان	لجیان
سرس کوه	سرس کوه	سرس کوه
همسج	همسج	همسج
دره سرس کوه	دره سرس کوه	دره سرس کوه
کودک خدایش	کودک خدایش	کودک خدایش
موردان	موردان	موردان
دارد	دارد	دارد
دارد	دارد	دارد

